

نابود باد جنگ؛ مرگ بر خمیسی؛
زنده باد صلح و آزادی

نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

دوره ۹۵ - سال سوم

شماره ۲۹ - آبان ۶۵

ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)

۱۶ صفحه - ۵۰ ریال

رسوایی جدید رژیم خمینی

مسئله کمکهای تبلیغاتی امپریالیسم امریکا به رژیم خمینی در این روزها محور بحث ها و مسائل سیاسی مطبوعات و دست اندرکاران مسائل سیاسی ایران و جهان قرار گرفته و پیرامون آن مطالب زیادی در روزنامه های مختلف جهان انتشار یافته است. صرفنظر از مسائلی که با عناوین مختلف در روزنامهها آمده چیزی که بیش از همه توجه مطلقین را بخود جلب میکند تاکید و پافشاری همه این رسانهها به این امر می باشد که تمامی این کارها و روابطی که امپریالیسم امریکا با رژیم خمینی گرفته ناشی از توجه امریکا به مسئله گروگانها و برای آزادی آنها بوده است. از روزنامه و رسانه های امریکایی و اروپایی که محور تبلیغات مثبت و منفی آنها بر این موضوع قرار گرفته تا بعضی از روزنامه های فارسی زبان که در خارج از کشور پخش میشود در ارائه منظور و خدمت به اربابان خود نیز همین روال را دنبال کرده اند. بطور مثال کیهان لندن در مقاله اطلاعاتی مفصل خود محور این اقدامات امریکا را مسئله گروگانها قلمداد نموده و درپوش

بقیه در صفحه ۲

سخنرانی افتتاحیه رفیق مهدی سامع در کنفرانس بخش کردستان سازمان

با درود به همه شهدای راه آزادی
با درود به همه شهدای قهرمان خلق کرد که در راه آزادی و خود مختاری، قهرمانانه مبارزه کردند و به شهادت رسیدند.
با درود به همه رزمندگان دلیر مقاومت انقلابی مردم ایران و پیشمرگان دلیر کردستان ایران با گرمی داشت مقاومت قهرمانانه زندانیان سیاسی ایران
و با احترام به مقاومت شجاعانه خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی
رفقا
برگزاری این کنفرانس را که به ابتکار کمیته کردستان سازمان ما برگزار میشود به تمامی رفقا و هواداران سازمان و نیز به شرکت کنندگان در این کنفرانس تبریک می گویم و برای آن آرزوی موفقیت می نمایم. برگزاری این کنفرانس نشان دهنده عزم راسخ ما در ایجاد بنیادهای مستحکم تشکیلاتی و اعتقاد ما به وجود دموکراسی ترونی است.

بقیه در صفحه ۲

عملیات فتح یک افلاس رژیم خمینی

روز شنبه ۱۹ مهر اسفند ماهی رژیم خمینی با هياهو بسیار خبر از "پیروزی" بزرگ رزمندگان "اسلام" داد و اعلام نمود که "پاسداران اسلام" وابسته به قرارگاه رمضان با همکاری "اتحادیه سپه" عملیات مهمی در داخل خاک عراق (در شهر کرکوک) انجام داده و مراکز مهم این شهر و منجمه مرکز بزرگ نفت، مراکز نظامی، مرکز رادیو و تلویزیون، مرکز رادار، ۱۰۰۰۰ و نیز دو پایگاه ساجدهن خلق ایران را در هم کوبیده است. رضایستی جنایتکار فرمانده سپاه ارتجاع طی یک مصاحبه تلفنی که همانروز از رادیوی رژیم پخش شد، اعلام نمود که عراق دیگر قادر به ادامه حمله هوایی به مراکز اقتصادی و نظامی ایران نیست. روز بعد رفسنجانی جنایتکار در مجلس ارتجاع ضمن ستایش از صداقت "اتحادیه سپه" از این پیروزی آنچنان داد سخن داد که گوئی واقعا "کرکوک" را فتح کرده اند. عراق قبل از آنکه این به اصطلاح پیروزی ها را تکذیب کند، روز بعد مراکز اقتصادی مهمی را در

بقیه در صفحه ۶

یادداشتی کوتاه

بر مانورهای اخیر رژیم در منطقه

بحران اقتصادی که هم اکنون بر کشور ما حاکم است بر کسی پوشیده نیست. مهمترین و عمده ترین مسائلی که بر این بحران دامن میزند و روز بروز باعث تشدید آن می شود، جنگ است. از شروع این جنگ خانمانسوز هر روزه شاهد سهمیه بندیهای بیشتری در زمینه ارزاق عمومی و مواد سوختی مورد نیاز مردم بوده ایم. سهمیه بندی جدید بنزین که چندین پیش اعلام شده در ادامه این بحران است. همچنانکه بنزین اولین سهمیه بندی نموده، آخرین هم نخواهد بود.

ما بارها سیاستهای جنگ افروزان رژیم را افشا و اعلام کرده ایم که این جنگ ارتجاعی سطح زندگی توده ها را به حداقل رسانده است. رژیم جنگ افروز خمینی که تمام درآمدهای ملی را جهت جنگ ویرانگر بکار می برد، مجبور است جهت تامین هزینه آن، قوانین اخذ مالیاتهای گمر شکن که بار بیشتر آن بر دوش کارگران و زحمتکشان میهنمان می باشد، تصویب نماید و از سوی دیگر سعی در بالا

بقیه در صفحه ۱۱

هشتمین کنفرانس کشورهای غیرمتهد، صلح و رژیم خمینی

دو قدرت بزرگ جهانی و دفاع از منافع ملی خویش، گردید. در سال ۱۹۵۵ ملاقات مهمی بین تنی چند از برجسته ترین شخصتهای ملی کشورهای مختلف گردید. در این ملاقات که جواهر لعل نهرو، قوام نکرومه، جمال عبدالناصر و سوکارنو شرکت داشتند، بیانه مهمی که به اصول باندوک معروف است صادر شد و پایه کشورهای غیر متعهد ریخته شد.

بقیه در صفحه ۶

سالهای پس از جنگ جهانی دوم، بویژه دردهه ۵۰ که با روی کار آمدن آیزنهاور بعنوان رئیس جمهور امریکا و غلبه سیاست ضد کمونیستی و ارتجاعی مله کارتیسیم، تضاد میان امریکا و اتحاد شوروی در عرصه بین المللی شدت و حدت یافت. این دوران کوتاه که به دوران جنگ سرد معروف است، موجب رشد گرایشاتی در یک سلسله از کشورهای نو استقلال و در حال رشد مبنی بر دوری از کشمکش بین

در این شماره:

- گسترش مناسبات اقتصادی رژیم خمینی با امریکا
- تب نامه های مقاومت
- خاطرات جنگل
- اخبار

خاطره ۱۳ آبان
روز دانش آموز
گرمی باد

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

سخنرانی

بقیه از صفحه ۱

این کنفرانس نخستین کنفرانس وسیع بخش کردستان سازمان، پس از شبه کودتای باند جنایتکار کامیابای - زهری در خرداد ۶۲ می‌باشد و مسلماً با جمع‌بندی تمامی تجربیات مثبت و منفی فعالیت ما، چه در دورانی که درون اقلیت فعالیت می‌کردیم و چه پس از احیای تشکیلات سازمان، خواهد توانست راه‌های غلبه بر مشکلات و ضعف‌های کار سازمان در کردستان را پیدا نموده و به شیوه‌های پیشبرد هر چه بیشتر خط اصولی، انقلابی و مارکسیستی - لنینیستی سازمان، در جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد، دست یابد.

در خرداد ماه سال ۵۹، جریان اقلیت آن موقع، بسایر نفعی مواضع سازشکارانه و عمیقاً اپورتونیستی جریان موسوم به اکثریت، راه خود را از این جریان منحط که خط تسلیم و جیبه‌سایبی در مقابل ارتجاع حاکم به رهبری خمینی را برگزیده بود، جدا نمود. ما در شرایطی در کردستان شروع بکار نمودیم که فضای فعالیت در جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد، بغلنت تسلیم و فرار جریان موسوم به اکثریت، برای مسافرتی فوق العاده بسته بود. اما با پشتکار و فداکاری نیروهای اندک اولیه و نیز با دور اندیشی و واقع بینی توانستیم بتدریج، اما با تلاش و خون جگر بسیار بر موانعی که محصول خیانت رهبری جریان موسوم به اکثریت بود، غلبه نمائیم. در این تلاش صادقانه و پیگیرانه بسیاری از ارزنده‌ترین رفقای ما که عشق به مردم، عشق به آزادی و عشق به سوسیالیسم، آنها را از صفوف جریان موسوم به اکثریت جدا نموده بود، شهادت رسیدند. پیشمرگان دلیر و جانباز، رفقای شهید قاسم معروفی، ابوبکر آرمان، مصطفی شمس‌الدینی، انور اعظمی، جواد کاشی، احمد اقدسی، جواد کارشی، رشید بزدان‌پناه (سکوک)، مختار قلعه‌وسی، بیژن جنتی، مرتضی خداوردی، سیروس قصیری، تیمور ستاری، خسرو قره‌داغی، سیروس خرده‌بین، سمود جعفر بسور، اقبال‌ظاهر خو، منصور سعیدی، بهاء‌الدین نیکبدری، ناصر نجم‌الدینی، سمود رحمتی، علی نوذری، حسن حسن‌پور، محمود امین‌زاده، ابراهیم کردی، حر رضایی، مراد میرزایی، اسعد بزدانسی، اسماعیل بزرگر، فریدون بانه‌ای و فاطمه محمدی جان و خون‌پالک خود را در راه آرمانهای مشترک سازمان ما، یعنی استقلال، دمکراسی، صلح و سوسیالیسم نثار نمودند. و بدین ترتیب جویندگان باریکی که خود را از لجنزار آبهای ساکن و بسی حرکت جدا نموده بود، لحظه به لحظه و قدم به قدم بزرگتر شد و در سر راه خود، از درها و کوه‌های بسیار صعب و از لحظه‌های بسیار خطر گذشت. اما در شرایطی که جویندگان اولیه بزرگ شده بود و میرفت تا بیک رودخانه خروشان تبدیل شود، رهبری جریان سکتاریستی درون سازمان ما، با اتخاذ شیوه‌های منحط و با دستاویز قرار دادن ضعف‌ها و کاستی‌های

ما که بخشی از آن ناشی از بحران عمومی سازمان بود، کمر به نابودی این بخش سازمان بست. در کنفرانس آبان‌ماه سال ۶۱، ما توانستیم پیرامون شرایط جدیدی که از لحاظ نظامی در کردستان پیش آمده بود، به تاکتیک صحیح دست یابیم. مسردوران سرکوبگر رژیم خمینی در آن موقع به تعرض نظامی گسترده برای اشغال مناطق آزاد شده دست می‌زدند که دفاع فعال از این مناطق آزاد شده مستلزم تعرض همه جانبه پیشمرگان در پشت جبهه دشمن بود. ما از تیر ماه ۶۱ به این تاکتیک پی برده و فعلاً سه جهت پیاده کردن آن کوشیدیم. ضربات نظامی سازمان در طی این مدت و فعالیت گسترده آن، طی گزارش ما لانه فعالیت شاخه کردستان در رنگای گل شماره ۴ چاپ رسید. اما رهبری خط سکتاریستی درون سازمان نمی‌توانست رمز پیشرفت ما را دریابد و در حالیکه در تمامی حوزه‌هایی که مسئولیت آنرا بعهده داشت در بی‌عملی محض غوطه‌ور بود، از اینکه ما بر اساس خط مشی که ارائه می‌دهیم، عمل می‌کنیم و تنها به حرف‌بسته نمی‌کنیم و بجای حرف‌های پوچ و بی‌اثر، عمل انقلابی را انتخاب می‌کنیم، به نوطه چینی مشغول شد و با دستاویز قرار دادن عملیات قهرمانانه پیشمرگان فدایی که طی آن ۱۵۰ نفر از مزدوران رژیم بهلکت رسیدند و متأسفانه منجر به شهادت قهرمانانه ۱۱ پیشمرگه فدایی و مجروح شدن دلبند دلبند دلبند، رفیق قهرمان مسعود رحمتی گردید، به نوطه چینی خود حدت و شدت بخشیدند و سرانجام طی یک اقدام ارتجاعی که تمامی مصوبات و تعهدات گذشته اول سازمان را زیر پای گذاشت به شبه کودتای خودمختار خط اصولی و انقلابی جامه عمل پوشاند. و سپس سعی کردند تا ما را بیک درگیری نظامی بکشانند که خوشبختانه با هوشیاری ما خفتی شد. پس از این اقدام ارتجاعی (شبه کودتای باند توکل)، جریان اقلیت پیروسه اضحلال و تلاشی خود را طی نمود. سکتاریستها که قادر به فهم اصولی که ما برای سازماندهی نیروهای نظامی و مردمی در کردستان ارائه داده بودیم، نبودند، از اشکالات و کمبودهای کار ما و نیز نواقص کار تشکیلاتی شاخه کردستان به رد اسامیه پیشنهادی برای تشکیلات پیشمرگه فدایی می‌پرداختند. سکتاریستها و شرکاء آنرویشان که امروز خود را "شورای عالی" اقلیت می‌نامند، هرگز نتوانستند اصولی را که ما اعلام نموده بودیم رد نمایند و بناچار در هر گام، بسا پرداختن به مسائل فرعی و رد اصول پیشنهادی ما به تضادهای درونی خود شدت می‌دادند. اما ما بر اساس وظیفه انقلابی خود و در شرایطی که اصول اساسی مصوبات گذشته اول سازمان توسط جریان سکتاریستی زیر پا گذاشته می‌شد، اقدام به انتشار برنامه (هویت) سازمان نمودیم و علیرغم شرایط سخت و پیچیده‌ای که ما را احاطه کرده بود، بسا اعلام خط اصولی سازمان و ایجاد بنیادهای تشکیلات انقلابی و کمونیستی مبادرت ورزیدیم. در

این تلاش بیگیم، رفقای سازمان در هر گوشه و کنار موفقیت‌های شایسته‌ای بدست آورده که تشکیلات کمینه کردستان و فعالیت آن در جنبش ملی-دمکراتیک خلق کرد، از آنجمله است. فعالیت‌های این بخش امروز باید در این کنفرانس مورد بحث و جمع‌بندی قرار گیرد. در طی این فعالیت خستگی‌ناپذیر رفقا، محمد رضا محمودیان (کاک رشید) و یونس رضایی شهادت رسیدند. بادشان گرامی باد در اینجا به جنمهای برجسته‌ای از واقعات بخش کردستان سازمان اشاره می‌کنم.

۱- اکنون سازمان ما در بین سازمانهای مدعی مارکسیسم - لنینیسم که در کردستان فعالیت مسلحانه دارند، بجز کومله، از لحاظ کادریهای محلی هم از جنبه سیاسی و هم از جنبه نظامی کمیتر از دیگران در سطح بالاتری قرار دارند. اگر مشکلات ارتباطی و امکاناتی ما حل شود، رشد ما از نظر کمی و کیفی به سطحی خواهد رسید که از مجموعه جریان‌های یاد شده بالاتر خواهد بود.

۲- در مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک که طی سه سال گذشته بین ما و جریان سکتاریستی اقلیت جریان داشت ما پیروسه رشد و گسترش خود را پیوندیم و جریان منحط اقلیت پیروسه اضحلال را، فاجعه ننگین ۴ بهمن ۶۴ و نیز اقدامات تبهکارانه باند خائن کامیابای - زهری در پاریس که آخرین نمونه آن متوسل شدن به دادگاههای فرانسه علیه رهبری نیروی محوری مقاومت انقلابی مردم ایران است، سبب تسریع پیروسه تلاشی این جریان گردید، بسا جایی که باند تبهکار کامیابای - زهری به سبب جریان ارتجاعی تبدیل شد و جناح مقابل آن یعنی "شورای عالی" به جریان ایزوله و منفرد و در خود تبدیل شده و هر دو جریان فاقد کادری و زیربنای محلی بوده و از لحاظ نیروی محلی نیز در سطح نازل قرار دارند.

۳- تا آنجا که ما اطلاع داریم، بسیاری از خانواده‌های شهدا و پیشمرگان سازمان در کردستان، حرکات ارتجاعی باند کامیابای - زهری را محکوم نموده و به طرق مختلف ما را در پیشبرد برنامه‌هایمان مورد حمایت قرار داده‌اند. اینها واقعات انگار ناپذیر است که هر ناظر بی‌طرفی بدان صحنه خواهد گذاشت.

رفقا:

این کنفرانس در شرایطی برگزار میشود که رژیم ددمنش و قرون وسطایی خمینی با سرکوب وحشیانه و جنگ خانمانسوز، دوران سقوط خود را طی میکند. بحران انقلابی در جامعه ما، هر لحظه، جنبش را به قیام‌رهایی بخش مردمی نزدیک میکند. مبارزه انقلابی مسلحانه برای سرنگونی این رژیم ارتجاعی وظیفه اصلی هر نیروی انقلابی است. اکنون ما بسا نیدگاه‌های روشن و صریح و با دفاع از مبارزه مسلحانه انقلابی بسوی قیام مسلحانه توده‌های پیش‌میرویم. جنبش ملی-دمکراتیک خلق کرد در این مرحله از رشد خود، توانسته است علیرغم سرکوب

بقیه در صفحه ۸

رهبری طبقه‌کارگر

صاهن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران است

رسوایی...

بقیه از صفحه ۱

مخالفت‌های سطحی با این رابطه، سنلسمه گروگانها را برجسته نموده است. ماجرا از این فرار است که در ابتدا هفته نامه الشراع چاپ بیروت که از طرفداران سوریه می‌باشد طی خبری به مسئله کمک‌های تسلیحاتی امیربالیسم آمریکا به رژیم خمینی اشاره کرده و سپس عنوان کرد که زابرت ملک فارلن مشاور سابق رئیس جمهور آمریکا در امور امنیتی به این منظور به تهران رفته است. در همین موقع مجله تیمیو چاپ آسیانیا خبر داد که آرئیل شارون وزیر سابق دفاع اسرائیل و وزیر فعلی صنعت و تجارت بطور محرمانه به تهران رفته است و محتوای پیام وی از طرف نخست وزیر اسرائیل برای مقامات تهران چنین بوده که اسرائیل در جنگ ایران و عراق حاضر به همکاری نظامی با ایران است. در عین حال چند خبرگزاری و فرستنده تلویزیونی آمریکایی خبرهایی در رابطه با موافقت امریکامر ارسال اسلحه به ایران انتشار دادند.

در جواب این افشاکاری‌ها، رفسنجانی رئیس مجلس ضد خلقی به میدان آمد و در نمایش جمعه ضمن اعتراف به خریدهای تسلیحاتی ایران از امریکسا از طرق مختلف تاکید کرد که امریکا از این خریدها خبر داشته و ماجرای آمدن هیئت امریکایی را بطور مسخره‌ای بدین صورت بیان کرد: اینها ۵ نفر بودند که با هواپیمایی که از طریق یکی از کشورهای اروپایی برای ما اسلحه می‌آورده وارد ایران می‌شوند و برای ما پیغامی از ریگان داشتند و در ضمن کادوهای نیز از قبیل اسلحه کمرب و یک کیک بشکل یک کلید برای ما آوردند. در مقابل مقامات امریکایی طبق معمول شروع به سروصدا در رابطه با این موضوع کردند. در کنگره امریکا نمایندگان حزب دمکرات و حتی بعضی از نمایندگان حزب جمهوریخواه که دولت را در دست دارند، شروع به اعتراض به این مسئله کرده و در این رابطه شولتز وزیر امور خارجه نیز به مخالفت‌های ظاهری با این امر برخاست و در نهایت ریگان و اطرافیان اسلام کردند که همه این کارها بخاطر نجات جان گروگانها بود و سروصداهای روزنامه‌ها امریکایی طبق معمول بجایی نرسید.

با نگاهی به این سلسله مسائل و با کمی دقت می‌توان رابطه بین رژیم خمینی و امریکا را بصورت حقیقی درک کرد. ضرورت ایجاد رابطه مستقیم بین امریکا و رژیم خمینی برای حفظ منافع و طرف از دستها قبل خود را بصورت دیالگها و مسافرت‌های مخفیانه به خارج از کشور نشان می‌دهد. از آنزمان تا کنون نیز این ارتباطات همگی در قالب و پوشش مسائل گروگانهای امریکایی در لبنان انجام می‌گرفت و در طرف با هماهنگی عجیبی سنلسمه گروگانها را به موضوع مورد علاقه همدیگر تبدیل کرده و نهایت استفاده را از این مسئله نمودند. در این مورد می‌توان به سفر ابراهیم یزدی از جناح

سپندس بازرگان استحالته چی شکست خورده سنلسمه امریکا تحت عنوان دین فرزندش در سال پیش اشاره کرد که شایعاتی را نیز دامن زد ولی خیلسی زود روی آن پرده ساتری کشیده شد.

در حقیقت نزدیکی علسی امریکا و ایران را باید در اوج گیری ماسازات توده‌ها و بخصوص در پیروزیهای جنبش مقاومت به رهبری شورای ملی مقاومت جستجو کرد. رژیم بی آینده خمینی که در باتلاق جنگ و اختناق مسیر زوال خود را طی می‌کند بمنظور ادامه زندگی ننگین خود به این رابطه و بخصوص به کمکهای تسلیحاتی امیربالیسم امریکا احتیاج حیاتی دارد. شکستهای پی در پی در میدان جنگ شکست برنامه‌های اقتصادی، رواج فساد که تا اعماق رژیم خمینی رسوخ کرده و از همه مهمتر جنگ قدرتی که هم اکنون در بین جناحهای مختلف رژیم جریان دارد اوضاع را به جایی رسانده که رژیم خمینی به هر شکل که شده باید به یک پیروزی ولسو خلی کوچک در میدان جنگ دست یافته تا با بزرگ کردن آن بتواند بر بحرانهای داخلی خود سرپوش موقت بگذارد. حرکات اخیر رژیم در جنگ نشان دهنده این مسئله می‌باشد. مثلا استفاده تسلیحاتی رژیم از عملیات کوچک چریکی در شمال کردستان عراق و وانمود کردن آن بعنوان بزرگترین پیروزی "سپاه اسلام" اوج درماندگی و فضاخت این رژیم را به نمایش گذاشته است و همانطوریکه پیش بینی میشد، با روشن شدن حقایق در مورد این عملیات و رفتن خبرنگاران به مناطق مورد نظر که رژیم خمینی مدعی نابودی آن مناطق بود، دیگر کوس رسوایی رژیم بصدا در آمد و بعضی از خبرنگاران این ادعای رژیم را مسخره و خنده آور خوانند. می‌بینیم که در همان زمان در شهر تهران حرکات توده‌ای و بخصوص راه پیمایی مردم از ورزشگاه آزادی بر علیه رژیم خمینی جریان داشته و رژیم بمنظور تحت شعاع قرار دادن این اعتراض نیز از این موضوع بهره برداری کرده است.

در مورد نیاز رژیم خمینی به رابطه مستقیم و علسی با امیربالیسم امریکا موارد زیادی را میتوان مثال آورد ولی عمده‌ترین این نیاز که توسط خود امریکسا نیز تبلیغ میشود مسئله جنگ و اینکه رژیم خمینی برای ادامه دادن به جنگ با عراق، باید از سلاحهای امریکایی استفاده کند، میباشد.

این رابطه در درجه اول می‌تواند رژیم خمینی را از تشبه اسلحه از بازار آزاد و بصورت قاچاق که بخاطر آن متحمل ضررهای سرسام‌آور میشود بی‌نیاز ساخته و رژیم خمینی میتواند با پرداخت مبلغی که گاهی به نصف مبلغ اصلی میرسد، اسلحه‌های امریکایی را بدون دردسر تحویل بگیرد. در همین رابطه رژیم خمینی می‌تواند از حمایت صنوی امریکا و هم پیمانان اروپایی آن و کنترل سطح تبلیغات رسانمهای هنگانی در امریکا و اروپا برخوردار بوده و گاه حیثیت نداشته خود را اعاده نماید. کما اینکه در این روزها شاهد تلاش گسترده بعضی

از رسانه‌های امریکایی و اروپایی در جهت دادن چهره‌ای معصوم و منزله از گناه به رژیم کشف و قرون وسطایی خمینی می‌باشیم. مثلا در قضیه آزادی دو گروگان فرانسوی که در نوامبر ۸۶ صورت گرفت رئیس دولت فرانسه از گوشتهای سوریه و عربستان سعودی و حتی الجزایر در این رابطه تشکر کرده و مطلقا جوری وانمود کرد که ایران در این قضیه دخالت نداشته است و رسانه‌های فرانسوی نیز بعضا با رعایت همین مسئله که تحت پوشش خطرناک بودن آن برای جان گروگانهای دیگر عنوان می‌شود رژیم خمینی را از دخالت در این ماجرا میرا داشتند. همانطوریکه تا کنون بگرات اثبات گردیده، رژیم خمینی برای سرپوش گذاشتن بر سرکوب شدید داخلی به ادامه جنگ، بهر شکل نیازمند است. این نیاز که از یکطرف موکول به تامین اسلحه و از طرف دیگر به سیخ نیروی انسانی می‌باشد، معمولاً بنوعی توسط رژیم خمینی برآورده شده است. مثلا تا زمانی که رژیم می‌توانست از درآمد نفت، اسلحه مسورد نیاز خود را بصورت خرید از بازارهای آزاد جهان تامین نماید، کمبود و نارسائیهای موجود تسلیحاتی خود را با سیخ نیروی انسانی جبران می‌کرد و با دست زدن به حملات متمرکز و استفاده از امواج انسانی و به کشتن دادن هزاران جوان ایرانی گاه به پیشرویهای محدودی در خالک کشور عراق دست می‌یافت. البته اینکه بعد می‌توانست مناطق مسورد نظر را نگه دارد یا نه، مورد بحث ما نیست. ولسی بهر حال با تبلیغات و هوچی گریهای فراوان این مسائل را مورد بهره برداری قرار می‌داد. ولسی از زمانیکه در آمد نفت تحت تاثیر بمب بارانهای مکرر اسلحه‌های بازگرمی و سقوط بی سابقه قیمت نفت در بازارهای جهانی کاهش یافت و به معنی بهتر قدرت خرید رژیم پایین آمد و دیگر ترفندهای رژیم در مورد سیخ ۵۰۰ و با ۱۰۰۰ گردان مسورد ادعای سردمداران رژیم به شکست مفتضحانه منجر گردید، رژیم خمینی نسبت به تامین نیازهای دوگانه جنگ یعنی تامین اسلحه و نیروی انسانی دچار مشکلات جدی گردید. در این رابطه منطقاً رژیم باید در بی تامین اسلحه‌های پیشرفته از طرق مستقیم و استفاده از تفاوت قیمت و ارزانتر بودن آنها باشد که هم بتواند بهای کمتری بپردازد و هم ضعف خود را در سیخ نیروی انسانی جبران نماید. بهمین منظور دست به دامن امیربالیسم امریکا که معنی است منتظر چنین موقعیتی بوده تا علسا وارد معادلات منطقه، بخصوص از طریق جلب رژیم خمینی بشوده گردیده و بپه تمامی تضادهای داخلی و بیامدهای آتی آنرا به تن بماند. البته اوج گیری تضادهای رژیم خمینی در این رابطه بدین معنی نباید تعبیر شود که هنوز در بین جناح‌های رژیم کسی وجود دارد که طرفدار رابطه گرفتن با امریکا نیست، بلکه دقیقا این تضاد در پایین بوده و متناسب با شرایط خود را نشان می‌دهد. مثلا دستگیری اطرافیان منتظری که بصورت شخص خمینی صورت گرفت

بقیه در صفحه ۹

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران

اخبار

پاپ ژان پل دوم رهبر کاتولیک های جهان مناسبت روز جهانی صلح فراخوانی برای آتش بس بیسن دو کشور ایران و عراق داد. وی در این فراخوان از دولت ایران و عراق درخواست نمود تا در روز ۵ آبان سه مناسبت روز جهانی صلح در تمامی جبهه های جنگ آتش بس برقرار شود. در پاسخ بنین فراخوان رهبر جمهوری عراق اعلام کرد که در صورت موافقت رژیم خمینی، درخواست پاپ ژان پل دوم، میلی بر آتش بس را می پذیرد. رژیم جنگ افروز خمینی حاضر سه قبول این آتش بس بگروزه نشد.

در این رابطه نماینده شورای ملی مقاومت در ایتالیا، ضمن ارسال تلگرامی به پاپ ژان پل دوم حمایت کامل نمایندگی شورای ملی مقاومت در ایتالیا را از فراخوان وی برای آتش بس در جنگ ایران و عراق اعلام داشت.

رادپو مجاهد در برنامه روز ۶۵/۷/۸ دو خبر زیر را به اطلاع شنوندگان خود رساند:

۱- روزنامه وال استریت ژورنال در شماره چهارم مهر ماه خود کشف یک فقره دیگر قاچاق اسلحه و تجهیزات نظامی ساخت آمریکا، توسط رژیم ضد بشری خمینی را فاش ساخت. بنوشته این روزنامه در جریان دستگیری ۵ نفر واسطه آلمانی کشته هلیکوپترهای ساخت آمریکا را برای ارسال سه ایران خریداری کرده بودند، فاش گردید که رژیم خمینی طی یک معامله ۶۰۰ میلیون دلاری سلاحها و ابزار نظامی آمریکایی را از واسطه های آلمانی دریافت کرده است.

۲- روزنامه سوییکا چاپ شوروی فاش ساخت گسه رژیم خمینی قصد دارد ۳۰ هواپیمای جنگنده از نوع فانتوم از اسرائیل خریداری نماید. رادپو صوت الجماهير ضمن انعکاس خبر این افشاکاری قسمتهایی از گزارش روزنامه سوییکا را نقل کرد. روزنامه شوروی ضمن اشاره به اینکه رژیم خمینی اخیراً درخواست موافقت با این معامله را نیز به اسرائیل تسلیم نموده می افزاید: رئیس اداره اطلاعات نظامی اسرائیل امسال به تهران مسافرت کرد و ضمن بازدید از جبهه های جنگ از کارایی سلاحهای اسرائیلی که رژیم خمینی از آنها در جنگ با عراق استفاده میکند اطلاع یافته است. رادپو صوت الجماهير می افزاید: روزنامه سوییکا، سردمداران رژیم خمینی را به بازگشت از مواضع جنگ طلبانه و پذیرش راه حل های پیش نهادی برای خاتمه جنگ ایران و عراق فرا خواند.

دو خبر زیر از رادپوی حزب دمکرات کردستان ایران پخش شده که برای اطلاع خوانندگان، آنرا در نبرد خلق چاپ میکنیم.

۶۵/۶/۲۰ - بوکان - روز ۲۴ شهریور، جاشها و پاسداران جنایتکار جمهوری اسلامی جهت تاخت

و تاز و آزار و امنیت اهالی روستای "گردی گلان" واقع در منطقه ترحان بوکان به این روستا رفتند. یکی از دختران روستا که از کنار مزدوران رد میشد، مورد اهانت یکی از پاسداران ضد خلقی قرار گرفت و شیر دختر روستایی در دفاع از احترام و آبروی پاسدار می آبروی جمهوری اسلامی را گتک کاری کرد اهالی روستا نیز به محض اطلاع از اهانت پاسدار مزدور به دختر مذکور، متحداً بسوی پایگاه دشمن حرکت کردند و نسبت به اعمال ضد حیثیتی و اهانت اخیر جنایتکاران رژیم اعتراض کردند. مردم از آرزوی به بعد، مانع رفت و آمد پاسداران ضد خلقی سه روستا میشوند.

۶۵/۷/۶ بوکان - بعد از ظهر روز ۲ مهر ماه جاری چندالله، جاشها و پاسداران مزدور گروه ضربت حماسیان و گروه های مزدور رژیم از شهر بوکان سه منظور آزار و امنیت اهالی بیدفاع در شهرک ترحان تجمع کردند، جنایتکاران پس از طرح حمله به اهالی بیدفاع حملگی از پایگاه ترحان به اهالی بورش بردند و به ضرب و شتم مردم پرداختند. در جریان بورش مزدوران معلم مدرسه روستا نیز مورد ضرب و شتم قرار گرفت و شدت مضروب گردید. ضربات وارده بر وی بحدی بود که احتمال مرگش میرفت و به ناچار برای نجات وی از مرگ، او را به بیمارستان بوکان انتقال دادند. ضد خلقیان در جریان گتک کاری مردم جهت نجات اهالی بدون هدف تیراندازی میکردند.

اخبار کردستان

اخبار زیر از رادپوی حزب دمکرات کردستان ایران نقل می شود.

۱- طی ماههای اخیر تعداد زیادی از سربازان، که بی به ماهیت ضد انقلابی رژیم خمینی برده اند، خود را تسلیم نیروهای انقلابی نمودند. در روزهای دهم و سیزدهم، شانزدهم، بیست و چهارم و بیست و هفتم مهر ماه جمعا ۱۳ سرباز صف نیروهای رژیم را ترک کرده و خود را به پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران تسلیم نمودند.

۲- در پی به آتش کشیده شدن روستاهای "بایسر" و "بورده" و "ساوله" واقع در منطقه سرشیو سقز توسط نیروهای ضد خلقی رژیم، روستای "قولقوله" و "کانی زیرینه" منطقه گورک نیز که به زور اسکنه خالی شده بود، توسط جاشهای مزدور "قیره ده" به آتش کشیده شدند. مزدوران همچنین آتش به خرمن زحمتکشان زده و معمول یکسال زحمت آنان را سه باد دادند.

۳- روز هفتم مهرماه جاشهای مستقر در شهرک "آرمرده" بمنظور سربازگیری به روستای "گارتم" هجوم آورده و به دستگیری جوانان و آزار و شکنجه مردم پرداختند. اقدامات ضد انسانی مزدوران رژیم با اعتراض گسترده مردم روبرو شد و مقابله مردم با جاشها، هنگامی به رویارویی منجر گردید که جاشها به چهار تن از زنان بی دفاع روستا حمله

کرده و به ضرب و شتم آنان پرداختند. سزده ران رژیم بمنظور رهایی از دست مردم خشمگین اقدام به تیراندازی کردند.

سامورا ماشل رهبر جمهوری موزامبیک در ۲۰ اکتبر پس از بازگشت از زامبیا، در حریم هوایی افریقای جنوبی جان خود را از دست داد.

سامورا ماشل از چهره های قدیمی مبارزه با استعمار و نژادپرستی و از شخصیت های برجسته جنبش عدم تعهد بود. مردم موزامبیک، دولت افریقای جنوبی را مسئول کشته شدن سامورا ماشل میدانند. همچنین روز سه شنبه ۲۱ اکتبر، در حراره پایتخت زیمبابوه عده کثیری از جوانان در سوگ سامورا ماشل در تظاهرات علیه افریقای جنوبی، دفتر شرکت هواپیمایی افریقای جنوبی را به آتش کشیدند.

شورای امنیت سازمان ملل متحد از تاریخ ۱۱ تا ۱۶ مهر ماه به درخواست ۷ کشور عضو جامعه عرب، یک جلسه اضطراری پیرامون بررسی وضعیت جنگی ایران و عراق تشکیل داد. در این جلسه قطعنامه ای به اتفاق آراء، مورد تأیید قرار گرفت. متن قطعنامه عبارت است از:

شورای امنیت:

با بررسی سوال "وضعیت بین ایران و عراق" با توجه به اینکه شورای امنیت متجاوز از ۶ سال درگیر این سوال بوده تصمیماتی در باره آن گرفته

- عمیقاً در رابطه با ادامه و شدت گرفتن جنگ که منجر به نابودی عظیم نیروی انسانی و زیان های مالی و بخطر افتادن صلح و امنیت بین المللی گردیده، نگران می باشد.

- با توجه به تهدیدی که کشورهای عضو را وادار می سازد که در روابط بین المللی خود از تهدید یا استفاده از زور علیه استقلال سیاسی یا تمامیت ارضی کشور دیگر با هر روشی که مغایر با اهداف سازمان ملل می باشد خودداری نمایند.

- با یادآوری مواد منشور (سازمان ملل) و بخصوص تعهدات کلیه کشورهای عضو در حل اختلافات بین المللی از طریق صلح آمیز بطوریکه امنیت، عدالت و صلح بین المللی در مخاطره نیافتد.

- با توجه بیشتر به این نکته که تحت منشور (سازمان ملل) کشورهای عضو مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی را به شورای امنیت محول کرده اند و در همین رابطه موافقت نموده اند که نقش شورای امنیت را در حل اختلافات بپذیرند.

- با تمجید از کوشش های دبیر کل سازمان ملل در جستجو برای حل صلح آمیز خصامه

۱- از ایران و عراق می خواهد تا فوراً و بدون تاخیر

اخبار

بقیه از صفحه ۲

سواد قطعنامه ۱۵۸۲ (۱۹۸۶) را که به اتفاق آراء در ۲۲ فوریه ۱۹۸۶ به تصویب رسید به مرحله اجرا بگذارند.

۲- از مسیر کل تقاضا می‌نماید که کوشش‌های خود را با طرفین جهت موثر شدن قطعنامه بالا شتاب بخشیده و گزارشی حداکثر تا ۳۰ نوامبر ۸۶ (۹ آذر ۶۵) به شورای امنیت ارائه نماید.

۳- تصمیم گرفته شد که جهت بررسی گزارش دبیر کل و شرایط ایجاد بک ملخ پایدار بین دو کشور بر طبق منشور (اتحاد) و اصول عدالت و حقوق بین‌الملل، مجدداً تشکیل جلسه دهد.

خریدهای تسلیحاتی رژیم

روزنامه‌ها و رسانه‌های خبری جهان هر روز خبر تازه‌ای مبنی بر خریدهای تسلیحاتی رژیم خمینی از منابع اسرائیل و آمریکایی فاش می‌کنند. در اینجا به چند نمونه از این اخبار اشاره می‌کنیم. صدای آمریکا در برنامه ۲۰ شهریور ۶۵ خود از قول روزنامه وال استریت ژورنال می‌گوید: بیشتر خریدهای نظامی ایران از طریق دفاتر تدارکاتی در لندن انجام می‌گیرد. سفارشات لوازم بدکی از نیروی هوایی و دریایی ایران به دلان تجهیزات نظامی در لندن اطلاع داده می‌شود. دلانها هم به نوبه خود این سفارشات را به موسسات تدارکاتی آمریکایی می‌دهند و شرکت‌های آمریکایی نیز لوازم بدکی را به شرکت‌های انگلیسی تسلیم می‌کنند و این شرکت‌ها نیز با نقض ممنوعیتی که از جانب دولت انگلیس وضع شده، این تجهیزات را به ایران می‌فروشند و برای مخفی نگهداشتن درگیری ایران، حساب شرکت‌های آمریکایی را از بانک‌های انگلیسی می‌پردازند. روزنامه وال استریت ژورنال از جمله این موارد به رویدادی اشاره میکند که همکاری اداره خدمات گمرکی و وزارت دادگستری آمریکا، موجب نافرمانی ماندن توطئه‌ای برای ارسال بیش از دو میلیارد دلار جنگ افزارهای ساخت آمریکا به ایران، اسرائیل و کشورهای دیگر شد. به گفته مقامات دولت فدرال در نیویورک، ۱۸ فروردین هوایی جنگنده اف ۴ و ۴۶ فروردین هوایی بمب افکن اسکای هالک و نزدیک به چهار هزار موشک، بخشی از معامله مورد نظر را تشکیل میداد. توطئه‌گران ظاهراً قصد داشتند که با تقلب پروانه صدور این تجهیزات را بنام پاکستان و دیگر کشورهای دوست بگیرند و فروش جنگ افزارها را به ایران پنهان نگه‌دارند. دو بازرگان و یک اسرائیلی بازنیسته اسرائیلی و همچنین یک وکیل آمریکایی مقیم لندن که واسطه معامله میان بک شرکت اسرائیلی و ایران بوده از جمله ۱۸ متهم این پرونده هستند.

رادبو اسرائیل در برنامه روز ۶۵/۷/۱۰ خود می‌گوید که: نماینده دائمی اسرائیل در سازمان ملل فاش ساخت که حکومت اسلامی ایران در کنار چند



صف داروخانه

کمپان
چهارشنبه ۷ آبان ۱۳۵۷

می‌توان نوشت... برخی نیز راهی بازار سیاه شده و به داروخانه‌های روی می‌آورند که امکانات بهتری برای عرضه و توزیع دارو دارند. نظیر داروخانه حلال انصر... صبح است و در فضای دم کرده این داروخانه گرونی به صف و در انتظار... چهره‌ای که به سختی نفس می‌کشد و صورتش فر شلوشی داروخانه گیوه شده می‌گوید! من بتازگی قلبم را عمل کردم و هیچ نوع داروی قلبی گسر نمی‌آید و باید به داروخانه‌دار التماس کنم که بیست دانه فرص به من بدهد.

تامل و صحتی کوتاه و صبر جان ندرایه سوچی از تم صورت زن را می‌پوشاند. هولی پرم آگه این دارو را نخورم می‌میرم خدا حمران بدهد توی قسمها را بگردید... نسخه به دست زن برگردانده می‌شود و سایر جان نیست ندرایه هیچ جا این دنیا پیدا نمی‌شود... و کلماتی که در آنگ صای قسمت گم می‌شود... چه باید کرد وقتی

نسخه حامل نهای آشنای چند دارو است و مساله بودن آن نشانی از این است و آن دست شدن زن منتظر است قسمها لریز از دارو او اسپنوار که اینجا داروی مورد نظرش را پیدا کند. دست‌های کوچک دارو را روی پیشخوان قرار می‌دهد و چشمی نسخه می‌چاله شده زن را می‌خواند... لفظهای

در بندر چه دنبال داروی حیاتی
در گوشه‌ای از یک داروخانه زنی با چهره بیمار گونه دردمند ایستاده است. عسکسی از صورتش می‌بارد نه سانه‌های از یک بیماری طولانی. سته را که روی پیشخوان داروخانه قرار می‌دهد مستهای می‌سوزد

بریتانیا نظامی با ارزش ۵۰۰ هزار دلار از طریق کانادا و بک کمپانی متعلق به "هرمز هزار" در آلمان غربی به ایران شده است. همچنین صدای آمریکا در برنامه روز ۱۵ مهر ۶۵ خود می‌گوید: بک بازرگان ایرانی تبار به اتهام توطئه خرید میلیونها دلار اسلحه ساخت آمریکا برای ارسال به ایران دیروز در دادگاه کالیفرنیا به ۲ سال و نیم زندان محکوم شد. حسن کنگر لو متهم است که در نقض رئیس بک شرکت بریتانیایی با شرکت‌های اسلحه سازی آمریکا وارد گفتگو شده بود تا انبواع تجهیزات نظامی و از جمله راکت و بمب به نفع ایران خریداری کند.

کشور عربی از جمله صادر کنندگان نفت به حکومت تبعیض نژادی افریقای جنوبی می‌باشد. صدای آمریکا در برنامه روز ۹ مهر ۶۵ خود تحت عنوان "حکومت دو ایرانی متهم به قاچاق و باطل نظامی به ایران توسط دادگاهی در آمریکا" می‌گوید: خسرو شکیب، فردی که در زمان حکومت شاه ایران به عنوان یکی از مهندسی و ارشدتک های موفق و ثروتمند ایرانی شناخته شد، دیروز در یکی از دادگاه‌های ایالت کالیفرنیا به ۳۰ ماه زندان محکوم شد. جرم وی توطئه برای قاچاق چهار میلیون دلار رادبو و وسائل مخابرات نظامی و وسایل بدکی آن از آمریکا به ایران بود. خسرو شکیب ۴۳ ساله همچنین از طرف قاضی دادگاه به پرداخت ۱۰ هزار دلار جریمه محکوم گردید. این رادبو سپس می‌افزاید وی متهم به توطئه‌ای برای قاچاق بیش از ۲۰۰ دستگاه رادبو بریتانیا نظامی و وسایل مخابرات از آمریکا به ایران در سال ۱۹۸۲ می‌باشد. به نوشته روزنامه لوس آنجلس تایمز، خسرو شکیب گفت: وی از غیر قانونی بودن صدور بدون جواز این وسایل که فقط برای استفاده نیروهای نظامی آمریکا ساخته شده آگاه بوده است. در این ماجرا خسرو شکیب به عنوان واسط میان شخصی دیگری بنام "هرمز هزار" ساکن لوس آنجلس و بک فروشنده آمریکایی وسایل الکترونیک بنام "استیونس" عمل کرده است. روزنامه لوس آنجلس تایمز می‌نویسد، قبل از کشف این توطئه توسط اداره گمرک آمریکا، شکیب و همه دوستانش موفق به قاچاق صدور ۵۰ دستگاه رادبوسی

به گزارش خبرگزاری تاس "ویجلا مولونوف" سیاستمدار قدیمی شوروی در سن ۹۶ سالگی درگذشت. مولوتف یکی از یاران استالین بود و از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۱ ریاست شورای کمیته‌های خلق شوروی و از سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۵۷ عهدمدار معاونت اول رئیس دولت بود.

در ادامه نزدیک شدن روابط فرانسه و ایران، وزیر خارجه فرانسه در ۱۱ نوامبر اعلام کرد که پیش نویس توافقنامه حل اختلافات مالی بین ایران و فرانسه طی چند روز آینده توسط وزرای خارجه دو کشور به امضا خواهد رسید. بنا بر گفته رژیم ایران، به موجب این توافقنامه قرار است بخت اول طلب بک بقیه در صفحه ۱۱

نابود باد امپریالیسم جهانی بسزگردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخیش

عملیات ...

بقیه از صفحه ۱

اصفهان و شیراز سازمان کرده و عکسهای از نتایج عمل خود را در تلویزیون بغداد نشان داد و سپس ضمن تکذیب ادعاهای رژیم خمینی، ترتیب بازدید خبرنگاران خارجی را از کرکوک داد که این بازدید در روز دوشنبه ۲۱ مهر صورت گرفت. رادبوی مجاهد در برنامه روز شنبه ۱۹ مهر اعلام نمود که هیچگونه عملی به سواکن این سازمان در کرکوک صورت نگرفته و تبلیغات رژیم را هیاهویی دال بر شکستهای رژیم در جبهه‌های مقاومت دانست. خبرهای اولیه نشان می‌دهد که تبلیغات رژیم دال بر "پیروزیهای بزرگ"، دروغ محض بوده و ارزش عملیات فتح یلک از نظر نظامی بر مراتب کمتر از ارزش عملیاتی است که بارها توسط پیشمرگان کردستان ایران در شهرهای مهاباد، سنندج، بوکان و ... صورت گرفته است. اینکه رژیم خمینی از این عملیات، بعنوان "فتح الفتوح" صحبت می‌کند، خود نشان دهنده ورشکستگی و درماندگی کامل مزدوران و سردمداران رژیم خمینی در جبهه‌های جنگ داخلی و خارجی است. زیرا اگر عملیاتی که برای یلک گروه چریکی ارزش خاص خود را دارد، از طرف یلک دولت بحثایه یلک "پیروزی" قلمداد شود، نشان دهنده آنست که دولت مزدور در جبهه‌های اصلی در ضعف و ناتوانی بسر می‌برد. رژیم خمینی با اعلام "پیروزی" در این عملیات، اعتراف به ضعف و ناتوانی خود نموده است. در واقع اگر چنین عملیات کوچکی یلک "پیروزی بزرگ" باشد بنا بر این پیشمرگان کردستان ایران که بارها به داخل شهرهای کردستان ایران نفوذ کرده و مراکز نظامی رژیم را در هم کوبیده‌اند، عملیات آنان و حتی عملیات همین ماههای قبل بر مراتب از ارزش نظامی و سیاسی بیشتری از عملیات فتح یلک داشته است، بسیار قدرتمندتر از کل نیروهای رژیم هستند. مفحک بودن ادعاهای رژیم خمینی، آنقدر آشکار بود که خبرگزاریهای غربی، که معمولاً عملیات

رژیم را بزرگ جلوه می‌دهند، از این عملیات با شگله و تردید صحبت کردند. کار رسوایی و دروغ پردازی رژیم در این باره بجایی رسید که برای لاپوشانی کردن دروغ‌های خود، شهادت رسیده ۱۰ مجاهد خلق توسط "اتحادیه میهنی" را که چندین روز قبل از ۱۹ مهر صورت گرفته بود، بحساب عملیات "فتح یلک" گذاشت. اما ببینیم هدف رژیم از این تبلیغات که "گناه" را "گناه" نشان میدهد، چیست؟

هسولطان سازز ما بیاد دارند که رفتن جانی جنایتکار در ابتدای ماه محرم، محرم اسال را سا ماه محرم ۱۳۵۷ مقایسه نمود و ضمن اعلام اینکه محرم ۵۷ تعیین کننده بود، بطور آشکار اعلام نمود که محرم اسال هم باید تعیین کننده باشد. وی مدعی شد که در این ماه ضربات سختی بر عراق وارد خواهد کرد، اما در عمل بجز چند عملیات کوچک که برای رژیم خمینی، شکست و فضاحت بهار آورد، ماه محرم اسال هیچ نمره‌ای برای جنگ افسروزان رژیم خمینی نداشت. در مقابل رژیم چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین المللی، بنحوی سابقه‌ای رسوا و بی اعتبار شد. تنگناهای رژیم در زمینه اقتصاد، کمبود فاحش ارز، بن بست در بسج نیرو افشا، خریدهای تسلیحاتی رژیم از اسرائیل و غرب و انتقال این تسلیحات از بندر ایلات در اسرائیل به ایران که توسط انجمن دریانوردان دانمارک فاش شد، موضع گیری هشتمین کنفرانس کشورهای غیر متعهد در جزایر علیه جنگ افروزی رژیم خمینی در حکومت سیاست جنگ افروزان رژیم خمینی در سراسر جهان و صدور قطعنامه تحجیم عمومی ملل متحد که در آن خواست آتش بس و صلح اعلام شد و رژیم خمینی را که در جبهه‌های جنگ با عراق هیچ گونه دستاوردی نداشت در فشار دائم التزاید قرار می‌داد. در زمینه داخلی، افزایش مقاومت در مقابل سربازگیری اجباری، فرار از کشور، مخالفت پرسنل مردمی ارتش با سیاست جنگ افروزان رژیم که یکی

از نمودهای آن فرار چند خلبان ارتش با هواپیماهای خود به عراق بود، گسترش جنبش صلح خواهی، پیوستن چهار ورزشکار قهرمان تیم وزنه‌سرداری ایران به مجاهدین خلق ایران در مسابقات سئول، کناره‌گیری ۱۴ ورزشکار تیم فوتبال ملی ایران پس از بازگشت از مسابقات سئول، تظاهرات گسترده مردم تهران در ورزشگاه آزادی علیه رژیم خمینی و به طرفداری از مقاومت انقلابی مردم ایران و همه و همه نشان داد که رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران واقعا در بن بست جنگ و بسج نیرو، همچون قریقی در گرداب بسر می‌برد. این طبعاً هم قدرت بسج نیرو برای رژیم را کاهش می‌دهد، هم روحیه نیروهای رژیم را تضعیف می‌کند و هم تضادهای درونی رژیم را شمت و حمت بیشتر می‌دهد. بنا بر این گردانندگان رژیم بفکر این می‌افتند که برای لاپوشانی کردن شکست‌ها و فضاحت‌های خود و برای روحیه دادن به نیروهایشان از "امدادهای غیبی" آنگونه کمک بگیرند که موجب عملیات "غیبی" بزرگ برای ساختن دروغ‌های بزرگ شود. این "امدادهای غیبی" در کمک به خمینی درمانده آتچنان "پیروزی‌های غیبی" به همراه آوردند که می‌توان گفت "گوه موش زانید" اگر این "پیروزی‌های غیبی" را به زبان واقعیات عینی بیان کنیم، چیزی جز افلاس نمی‌توان بر آن نام نهاد. شاید برای عقب مانده ترین نیروهای رژیم این دروغ‌های گویبارگونه روحیه آفرین باشد، اما برای اکثریت کسانی که، اکنون دیگر آنان را بزور به جبهه‌های جنگ ضد میهنی گسیل می‌کنند، نتیجه‌ای جز افزایش ناامیدی و باس آنان نخواهد داشت، آینده نشان خواهد داد که دروغ‌های رژیم نتایجی فاجعه‌سار برایش در جبهه‌های جنگ بهار خواهد آورد.



هشتمین ...

بقیه از صفحه ۱

شد. اصول اساسی و پایه‌های کشورهای غیر متعهد عبارتست از عدم عضویت در پیمانهای نظامی مربوط به بلوک پنجمین جهانی، اتحاد کشورهای در حال رشد، دفاع از منافع ملی، عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر و ... اولین کنفرانس کشورهای غیر متعهد در بلغراد پایتخت یوگوسلاوی از تاریخ ۱ تا ۶ سپتامبر ۱۹۶۱ به ریاست تیمتو تشکیل شد. در این کنفرانس ۲۵ دولت عضو و ۳ دولت ناظر بودند. کشورهای که در این کنفرانس شرکت داشتند عبارت بودند از:

افغانستان - عربستان سعودی - الجزایر - کوبا - قبرس - مصر - اتیوپی - غنا - هند - اندونزی - عراق - کمبوج - لبنان - مالی - مغرب - نپال - سومالی - سیریلانکا - سودان - تونس - یمن شمالی - یوگوسلاوی

زئیر - گینه

دومین کنفرانس کشورهای غیر متعهد در قاهره

پایتخت مصر از تاریخ ۵ تا ۱۰ اکتبر ۱۹۶۴ به ریاست جمال عبدالناصر تشکیل شد. در این کنفرانس ۴۶ دولت عضو و ۱۰ دولت ناظر شرکت داشتند. کشورهایی که به غیر متعهدها در این کنفرانس اضافه شده بودند عبارت بودند از:

بنین - بوروندی - کامیرون - جمهوری اریتریا - کنگو اردن - کنیا - کویت - لائوس - چاد - لیبیا - لیبی - مالاوی - موریتانی - نیجریه - سنگال - سیرالئون - تانزانیا - اوگاندا - زامبیا - سوریه

سومین کنفرانس کشورهای غیر متعهد در لوماکسا پایتخت زامبیا از تاریخ ۸ تا ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۰ به ریاست کیلت کاواندا تشکیل شد. در این کنفرانس ۵۲ دولت عضو، ۹ دولت ناظر و ۷ دولت مهمان وجود داشت. کشورهای تازه عضو عبارت بودند از:

گابون - بوتسوانا - گامبیا - گینه استوایی - گویان - جامائیکا - لیسوتو - مالتی - رواندا - سنگاپور - سوزیلاند - ترینیداد - یمن جنوبی

بقیه در صفحه ۷

پیروزی باد مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای آزادی و خودمختاری

هشتمین

بقیه از صفحه ۶

آزادبخش فلسطین - پاناما - پرو - سیشل - ویتنام
ششمین کنفرانس کشورهای غیر متعهد در هاوانا
پایتخت کوبا از تاریخ ۳ تا ۹ سپتامبر ۱۹۷۹ به
ریاست فیدل کاسترو تشکیل شد. در این کنفرانس
۹۲ عضو، ۱۵ ناظر و ۸ مپمان شرکت داشتند.
کشورهای جدید عبارت بودند از:

بولیوی - گرانادا - ایران - سوایو (نامیبیا) - زیمبابه -
بوه - جیبوتی - سورینام
هفتمین کنفرانس کشورهای غیر متعهد در دهلی نو
پایتخت هند از تاریخ ۷ تا ۱۲ مارس ۱۹۸۳ به ریاست
خانم ایندیرا گاندی تشکیل شد. پس از ترور خانم
گاندی، راجیو گاندی عهده‌دار ریاست این دور
گردید. در دهلی نو، ۹۹ دولت عضو شرکت داشتند
و ۹ ناظر و ۱۰ مپمان نیز شرکت داشتند. کشورهای
که برای اولین بار در کنفرانس شرکت می‌کردند
عبارت بودند از:

واتواتو - سانتالوتجیا - اکوادور - کولومبیا -
بربادوس - بلیس
و با اواخر هفتمین کنفرانس کشورهای غیر متعهد
در حراره پایتخت زیمبابوه از تاریخ ۱ تا ۶ سپتامبر
۱۹۸۶ به ریاست روبرت موگابه و با شرکت ۱۰۱ عضو
تشکیل شد. در بین اعضا، دو سازمان آزادبخش
ساف و سوایو (جنبش آزادبخش آفریقای جنوب
غربی) نیز می‌باشند که اعضاء متساوی الحقوق
می‌باشند. طی ۲۵ سالی که از وجود کشورهای غیر
متعهد می‌گذرد، در بسیاری از این کشورها
تغییرات بسیاری روی داده است. ولی با اینحال
هنوز عضو کشورهای غیر متعهد می‌باشند. حاکمیت
ملی در کشورهای مصر و اندونزی با سرنگون شدن
حکومت‌های ناصر و سوکارنو به حاکمیت‌های سیاسی
مزدور امپریالیسم تبدیل شده است. کشورهای مثل
اتیوپی و افغانستان که هر دو از ابتدا عضو
کشورهای غیر متعهد بوده و حاکمیت آنها سلطنتی
بود به کشورهای جمهوری با رژیم‌های طرفدار اتحاد
شوروی تبدیل شده‌اند. در بین اعضای کشورهای غیر
متعهد، تعدادی از کشورها کاملاً از امریکا
و تعدادی از آنان از اتحاد شوروی حمایت می‌کنند.
در بین کشورهای که از این دو قطب جهانی کاملاً
حمایت نمی‌کنند، بعضی از آنان دارای رژیم‌های
مترقی هستند، مانند نیکاراگوئه و بعضی دارای
حاکمیت‌های ارتجاعی، مثل رژیم خمینی.

پس از کودتای پینوشه در سال ۱۹۷۳، عضویت
شیلی، معلق شد. در رابطه با کامیون نیز بعلمت
اختلافات برونی کشورهای غیر متعهد، و مسائل
داخلی آن، عضویت آن معلق است. از نظر سیاسی
کشورهایی که جهت گیری ضد امپریالیستی بویژه ضد
امریکایی دارند به جناح چپ معروف هستند. اگر با
منبازاری فرمالیستی حزب توده بخوایم نسبت به
رژیم خمینی تفاوت کنیم، بعلمت اینکه این رژیم
عموماً در کنار کشورهای واقعا ضد امپریالیست قرار
می‌گیرد باید این رژیم را در جناح چپ حساب کنیم
از نظر ساختار اقتصادی و سیاسی، ترکیب کشورهای
عضو بسیار ناهمگون و متضاد است. کوبا و ویتنام
جزء جامعه کشورهای سوسیالیستی هستند. در
آرژانتین، پرو، پاکستان و سرمایه‌داری وابسته

تسلط دارد، در کشورهایی مثل اردن و عربستان
سعودی هنوز قبایل و عشایر در قدرت نقش دارند و
کشورهایی مثل زیمبابوه، نیکاراگوئه و ۱۰۰ درگشاکش
چگونگی رشد با مسائل متعددی روبرو هستند. ملت
بسیاری از کشورهای عضو، یکسان است. اعتراف
بعضی از کشورهای امریکایی لاتین و ۱۰۰ دارای ملیت
واحدی هستند. در این کشورها تقریباً تمام مذاهب
موجود در جهان وجود دارد. از نظر وجود دمگراسی
سیاسی و با دیکتاتوری وضع این کشورها مختلف و در
حال تغییر و تحول است. آرژانتین که از سال ۱۹۷۳
عضو کشورهای غیر متعهد است، چند بار از این
زاویه دچار تغییر و تحول شده است. تنها کشور
اروپایی که عضو این جنبش است، یوگوسلاوی میباشد
تمامی کشورهای آفریقا، بجز آفریقای جنوبی،
نامیبیا و صحرا، عضو این جنبش می‌باشند.
از نامیبیا، سوایو بعنوان تنها نماینده قانونی
این کشور، در حالی که هنوز قدرت دولتی را در
دست ندارد، عضو جنبش می‌باشد. کشورهای هم
وجود دارند که عضو بیساختار نظامی ناتو، نشو
و ورشو نیستند ولی همچنین عضو کشورهای غیر
متعهد نمی‌باشند. بهر حال جنبش غیر متعهدها
علیرغم وجود کشورهای وابسته به امپریالیسم در
درون آن، در مجموع دارای جهت گیری ضد
امپریالیستی و مترقیانه‌ای بوده است.

در تاریخ ۱۰ شهریور ۱۳۶۵ برابر با اول
سپتامبر ۱۹۸۶ کنفرانس هشتم کشورهای غیر متعهد
در شهر حراره پایتخت زیمبابوه با شرکت ۱۰۱ عضو
برگزار گردید و بمدت یک هفته ادامه داشت. شرکت
سران بیش از ۲۰ کشور، نشان دهنده اهمیت اجلاس
آخر بود. از جمله مهم‌ترین شرکت کنندگان در این
کنفرانس میتوان از، روبرت موگابه، راجیو گاندی
فیدل کاسترو، دانیل اورتگا، غیا الحق، باسر
عرفات، طه یاسین رمضان، سام نجوما، ببرک کارمل
شازلی بن جدید، گنت کاووندا و ۱۰۰ نام سرد. از
طرف رژیم خمینی، خامنه‌ای جنایتکار در این
کنفرانس شرکت کرده بود. مهم‌ترین مسائلی که در
دستور کار کنفرانس قرار داشت عبارت بود از:

مساله اپارتاید در آفریقای جنوبی، مساله خلع
سلاح هسته‌ای، مساله تجاوز امریکا به لیبی، مساله
کعل امریکا به ضد انقلابیون نیکاراگوئه، مساله
افغانستان و سرانجام مساله جنگ ایران و عراق
بر سر هر یک از مسائل فوق بحث‌های متعددی صورت
گرفت و نتایج بحث‌ها در قطع‌نامه نهایی گنجانده
شد. دولت امریکا، قبل از تشکیل کنفرانس هفتم
از طرق مختلف و بخصوص با بیدارهای مرتب با
سران کشورهای وابسته بخود، و هجی کردن سیاست
های امریکا برای آنان و تهدید اعضای جنبش بخاطر
جلوگیری از رای مثبت دادن به قطع‌نامه علیه امریکا
 سعی در خنثی نمودن این کنفرانس نمود. گفتار
فارسی صدای امریکا در برنامه شب ۶۵/۶/۶ (۲۸
اوت ۸۶) که نظرات دولت امریکا را منعکس میکند
چنین اعلام نمود: " البته هنوز برای جنبش غیر
متعهدها امکان پذیر است که افراط‌گره‌های لفظی
و موضع‌گیریه‌های سیاسی که فقط می‌تواند باعث
بیزاری کشورهای غربی باشد، که جنبش مایل است
بر سیاست‌های آنان تاثیر بگذارد، دوری جویند.

همکاری و نه رویارویی با دمگراسی‌های صنعتی
غرب و همزیستی و نه سودمندی و مسالمت با بسولک
شوروی بصورت بسیار سوترتر منافع جهان در حال
توسعه را تامین خواهد ساخت. ابالات متحده
توفیق کامل هیئت‌های نمایندگی حاضر در حراره را
آرزو می‌کند. آنها بار دیگر این فرصت را در اختیار
دارند که اعتبار جنبش غیر متعهدها را بوقرور
سازند" (تاکید از من است)

امریکا این هشدار را که کشورهای غربی از "افراط
گری لفظی و موضع‌گیری سیاسی" غلبه منافع خود
بیزارند و فقط موضع‌گیریهایی "اعتبار" دارد که
منافع غرب را به حساب آورده باشد، را قسلاً از
برگزاری کنفرانس به طرق مختلف اعلام نموده بود.
آقای ریگان بسیار کوشید، تا جنبش را بگونه‌ای
خنثی نماید تا موجب بیزاری ایشان و دولتشان نشود
اما نتایج کار کنفرانس در مجموع نشان داد که
تهدیدهای امریکا چندان موثر نبوده است.
قطع‌نامه کنفرانس با تاکید بر خلع سلاح اتمی و
دفاع از صلح جهانی و پافشاری بر تحریم رژیم
نژاد پرست آفریقای جنوبی، محکوم نمودن حمله
نظامی امریکا به ضد انقلابیون نیکاراگوئه، گرایش
ضد امپریالیستی خود را نشان داد. رابرت موگابه
در سخنرانی خود، دولت ریگان را بخاطر یستهبانی
امریکا از رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی تقبیح
و مورد نکوهش قرار داد. وی حمله امریکا به لیبی
و کمل به ضد انقلابیون نیکاراگوئه را محکوم نمود.
در مقابل امپریالیسم امریکا نیز "بیزاری" خود را
از این موضع‌گیری بصورت قطع‌کنک قرارداد امریکا
به زیمبابوه نشان داد. کنفرانس هشتم کشورهای غیر
متعهد، انعکاس تنفر و انزجار خلق‌های جهان علیه
دولت‌ها و بغایت راست ریگان بود.

در رابطه با ایران که پس از انقلاب ۲۲ بهمن
۵۷ به جامعه کشورهای غیر متعهد پیوست، مساله
جنگ ایران و عراق مطرح بود. با شروع جنگ ایران
و عراق، اختلاف بر سر این جنگ و موضع‌گیری درقبال
آن به یکی از مهم‌ترین مسائل درون جنبش تبدیل
شد. تمام تلاش رژیم خمینی جلوگیری از طرح مساله
جنگ و با محکوم نمودن عراق در صورت طرح مساله
بود. قبل از تشکیل کنفرانس هشتم با توجه به روحیه
ضد جنگ و صلح خواهی عمومی در سطح بین‌المللی
و بویژه در کشورهای غیر متعهد، رژیم خمینی
کوشش بسیار نمود که مساله جنگ ایران و عراق
در کنفرانس مطرح نشود، ولی مادام که مطمئن شد
که این مساله حتماً در کنفرانس مطرح خواهد شد،
ریاکارانه کوشید تا اینگونه وانمود کند که طرح
مساله و شنیدن حرف‌های رژیم از طرف شرکت کنند
گان مفید است. رژیم تلاش گسترده‌ای برای جلب
کشورها بسوی نظر خود نمود. از وعده و وعید کمل
تا باج دادن و کمل‌های مالی و جنسی برای خرید
رای کشورهای عضو. رژیم هیئت‌های متعددی به
کشورهای آفریقای که عموماً نیاز به کمل مالی
دارند، روانه نمود. اما بر خلاف نظر رژیم خمینی،
در جلسات مختلف کنفرانس، اعضا جنبش طی
سخنرانی‌های خود، از ادامه جنگ ایران و عراق
ابراز تاسف کرده و ادامه آنرا مورد نکوهش قرار

سخنرانی

نقشه از صفحه ۲

وحشیانه سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی، به حیات رو به رشد خود ادامه دهد و مسلما چشم انداز بیروزی و دست یابی به آزادی و خودمختاری شورای خلق کرد، اکنون دیگر نه یک رویای دست نیافتنی بلکه یک آرزوی دست یافتنی است. آرزو و خواستی که با مبارزه دلیرانه پیشمرگان قهرمان کردستان مسلما به تحقق خواهد پیوست. در این شرایط لازم است یکبار دیگر بر اصول نظرات خود پیرامون این جنبش عادلانه، که بارها آنرا اعلام کرده‌ایم، تاکید کنیم. نظرات ما پیرامون جنبش ملی- دمکراتیک، ملیت تحت ستم کرد، در جامعه کثیرالمله ایران بر دو اصل غیر قابل تفکیک زیر استوار است.

الف- ما حق ملیت های ساکن ایران و منجمله ملیت تحت ستم کرد در تعیین سرنوشت خویش را به سر شکلی که خود می‌خواهند، تا سر حد جدایی رسمیت می‌شناسیم.

ب- به رسمیت شناختن این حق، به معنی تأیید شکل جدایی از طرف ما نیست، بر عکس ما مناقص کارگران و زحمتکشان تمامی ملیت های ساکن ایران را در وجهت داوطلبانه و دمکراتیک تمامی ملیت های ساکن ایران در یک حکومت قدرتمند و دمکراتیک می‌دانیم. از این زاویه ما از مبارزه قهرمانانه مردم کردستان برای خودمختاری که تجسم مادی آن ایجاد مجلس شورای خلق کرد بشکستل دمکراتیک است، حمایت فعال می‌کنیم.

رفقا: آنچه در بالا بیان شد، یک جنبه از سیاست ما، یعنی سیاست سازمان در جنبش ملی-دمکراتیک خلق کرد است. اما جنبه‌های دیگر سیاست ما و منجمله سیاستهای سازمان در زمینه‌های مسائل سراسری مبتنی بر پافشاری روی میرمترین خواسته‌های مردم ایران یعنی سرنگونی رژیم خمینی، قطع جنگ و استقرار صلح و آزادیست. ما بر خلاف اندیشه‌های رایج منشویکی که اکنون تمامی جریانات اپورتونیستی بدان آلوده و تنها هدفشان همیشه در "اپوزیسیون افراطی" قرار گرفتن است، راه کسب انقلابی قدرت سیاسی را برگزیده‌ایم و بر این اساس هم بر مبارزه مسلحانه انقلابی بمنسوان شکل اصلی مبارزه و هم بر حقانیت الترناتیبو دمکراتیک رژیم خمینی یعنی شورای ملی مقاومت پافشاری میکنیم. واقعیت اینست که موقعیت سازمان ما و وجود آن در کانون رهبری جنبش خلق یعنی شورای ملی مقاومت، بندحوست که سد بزرگی در مقابل جریانات اپورتونیستی ایجاد نموده است. حملات رذیله‌های که از جانب نیروهای انحرافی و اپورتونیستی به ما میشود، نه از نقطه ضعف ما بلکه ناشی از نقطه قوت ماست. واقعیت اینست که ما تحت سخت ترین شرایط که از هر طرف مسرزد حمله کین توزانه قرار داشتیم، طی مدت کوتاهی بر مسائلی غلبه نمودیم که دیگران در خوشبینانترین قضاوت صرف آن کنند، بسیاری از مواضع ما پیرامون جنبش ملی-دمکراتیک خلق کرد، اکنون توسط مخالفین ما بیان میشود. ضمنا این مخالفین در پخیرش نظرات ما، ناپیکبری خاص یک نیروی اپورتونیست و سازشکار را از خود نشان می‌دهند.

در گذار از بنده

چرکین و زهر آگین
آخرین تیر ترکش دزخیم
از سنگر سیاهی‌ها
بر سرزمین آستن سحر
شلیک می‌شود.
چرکین و زهر آگین
همچون نفس سگان هار و هرزه -
آخرین کلام تیره دزخیم
گذر از مرزهای حیانت
گذر از مرزهای رسوایی.

آنک
با آخرین تیر ترکش دزخیم
میدان سینه کشوده‌اند
رزم آوران
با نارنجک‌هایی بر آن
در حجم تهاجم طوفانی
در سنگر سپیده
در کمین ستم
میدان سینه کشوده‌اند
رزم جوان فدایی
در حلقه اتحاد محاهد
در گذرگاه رهایی

اختناق بارویی است مسلح
در کمین هجوم زندگان
بر چهار شتون خیمه شب
بارویی است مسلح
که در بیگران رزم و فدا
منفجر خواهد شد
صبح بارور نان
بر استخوان‌های شکسته
خواهد رویید

چارود فقر!
چارود اختناق!
چارود شکنجه و کشتار!
آسوی تر از شکنجه
آسوی تر از فقر
آسوی خون ما
سیمای زندگی
دریای پر تلاطم خلق
بر موجهای نان و آزادی
شکوفان است.

احمد - الف
فروردین ۶۵

چارود - فرد شوم

بیاد...

بقیه از صفحه ۱۴

به تسلیم وا دارند. اما علیرغم چنین جنایات فجیمی خلق قهرمان کرد استوار در راه بدست آوردن حقوق حقه خود ایستاده است و سرانجام پیروز سردوران رژیم را بخاک خواهد مالید.
بی شک کین و نفرت کودکانی که در ایندرفساش نظاره گر سرهای از بدن جدا شده پدران و مادران خود بودند به آتش تبدیل خواهد شد و شعله‌های فرورز آن دامن جنایتکاران را خواهد گرفت و آنان را به خاکستر تبدیل می‌نماید.

پیروز باد مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای آزادی و خود مختاری
درد بر شهدای قهرمان کردستان ایران و تعامسی
شهدای بخون خفته خلق
در اهتزاز باد پرچم پر افتخار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت)
پیروز باشیید.

چهار سال قبل وقتی ما از تشکیلات نظامی- توده ای و دمکراتیک در کردستان دفاع میکردیم، با وجود اینکه ما به خطراتی که اینگونه تشکل ها را تهدید میکند و منجمله به انحراف سکتاریستی و لیبرالیستی، تاکید می‌کردیم، باز هم مخالفین ما، ما را متهم به لیبرالیسم می‌کردند. اکنون آنان با تشکیلاتی گسخته از هم، با روابطی که عمیقاً لیبرالیسم در تاروپود آن دمیده، تازه بطور ناپیکبر بعضی از نظرات ما را پذیرفته و برای اینک - خصوصیت غیر انقلابی و غیر صادقانه خود را نشان دهند، بعضی از نواقص کار ما را برجسته میکنند، تا ضعف اساسی خود، یعنی نگرش سکتاریستی به جنبش توده‌ای را لاپوشانی کنند. دستاوردهای ما چه در زمینه سیاسی و چه در زمینه تشکیلاتی مرهون اراده خلل ناپیکر ما برای غلبه بر بحران جنبش کمونیستی ایران و دخالت موثر در مبارزه طبقاتی است.

رفقا: همانگونه که در گزارشات متعدد درونی به اطلاع شما رسیده، ما طی مراحل مختلف رشد تشکیلاتی خود، اهدافی را در مقابل خود قرار داده بودیم که به بسیاری از آنان دست یافتیم. اکنون مدت‌هاست که مهمترین مساله سازمان ما، چه در مقیاس منطقه‌ای و چه در ابعاد سراسری، مساله ارتباطات و امکانات است. این دو مساله بهم پیوسته، بخش قابل توجهی از انرژی سازمان را بخود مشغول نموده است و امیدواریم تا پایان امسال بتوانیم بر این مشکلات نیز غلبه کنیم. البته موفقیت‌های ما گر چه شایان توجه است، ولی در مقابل اهداف بزرگی که ما بمشابه یک سازمان انقلابی و کمونیستی در مقابل خود داریم، کمبودها، نارسائیا و ضعف‌های بسیار در پیشرفت کار ما وجود دارد. این موفقیتها ما را شیفته وضع موجود نمی‌کند، زیرا ما نه تفسیر و توجیه وضع کنونی، بلکه تغییر انقلابی آنرا طلب میکنیم. بدین لحاظ کنفرانس بخش کردستان سازمان باید با جدیت و مسئولیت برای غلبه بر مشکلات و نارسائیا، راه جویی عملی و نظری نماید. از طرف کمیته مرکزی سازمان، رفیق سعید یزداننشاء، عضو کمیته مرکزی سازمان علاوه بر مسئولیت کمیته کردستان و نماینده سازمان در کردستان، مسئولیت نظارت بر کار این کنفرانس را نیز بر عهده خواهد داشت.

رفقا: تردیدی نیست که روز پیروزی بر دشمن اصلی تمام مردم ایران، یعنی رژیم ارتجاعی، ضد انقلابی و ضد بشری خمینی، با پیکار رزمندگان دلیر راه آزادی خلقهای ایران هر روز نزدیکتر میشود. ماراه سخت و طولانی را برگزیده‌ایم، این راه با پیکار دلیرانه نیروهای انقلابی مقاومت هر روز کوتاه‌تر میشود. پس ما به پیش میرویم تا شایسته نسام انسان عصر پیروزیهای سترگ کارگران و زحمتکشان باشیم.

با ایمان به پیروزی راهمان
زنده باد استقلال، دمکراسی، صلح و سوسیالیسم
نابود باد جنگ، سرنگون باد رژیم خمینی، زنده باد صلح و آزادی

♦♦♦ رسوایی

بقیه از صفحه ۲

و دستگیری احمد کاشانی فرزند آیت الله کاشانی هیچگاه در رابطه با مخالفت این افراد با آمریکا نیست، بلکه خود این افراد و بخصوص احمد کاشانی از عوامل سرسپرده آمریکا و از ابادی مظفر بقایبی عامل استعمار انگلیس می باشد - مسلما خمینی برای حل و کنترل این تضادها که هر لحظه بر پیکر پوسیده رژیم قرون وسطایی اش ضربات جبران ناپذیر میزند با فدا کردن یک یا دو سپهر وارد عمل خواهد شد و این روال همیشگی او بوده است - خمینی در رابطه با حل تضادهای رژیمش همیشه شخصا پیش آمده و تمامی مسائل را با دستور و تهجد حل کرده است و تا بحال توانسته جناحهای مختلف را بر خلاف میل آنها در کنار هم بنشاند - وی بتازگی در سخنرانی که در جمع گروهی از پاسدارانش انجام داد گفت " امروزه جنگ از فروع دین واجب نسیب است " این گفته بدین معنی است که باید در این جنگ بهر قیمت پیروز شد - و مسلما این هم زمینه سازی تازه ای است برای حل پی آمدهای مسئله ارتباط مستقیم ایران و امپریالیسم امریکسا - وی همیشه برای اعمال رژیمش در همه زمینها پیراهن شرعی می تراشد و در این کار هوشیاری شد انقلابی خود را به بهترین وجه نشان داده است - از طرفی بنا بر گفته بعضی از روزنامهها این ملاقاتها که بصورت پنهانی انجام گرفته از سپتامبر ۸۵ شروع شده و ارسال اسلحه مدتها قبل از تاریخ اعلام شده صورت گرفته است - در همین رابطه سقوط شش فروتن هواپیمای عراقی که رژیم در چند ماه پیش مدعی آن بود و عراق نیز چند فروند از آنها را تأیید کرد در رابطه با دریافت موشکهای هوا به هوا امریکایی بوده که ایران در آن تاریخ از امریکا تحویل گرفته است - بنا بر این نیاز حیاتی رژیم خمینی به داشتن رابطه مستقیم و بی واسطه بخوبی روشن است و همانطوریکه اشاره شد رژیم خمینی در منجلابی دست و پا میزند که نیازهای روزمره او نیز برایش معنی نرنگد و زندگی را دارد -

حال نگاهی بیافکنیم به استراتژی امپریالیسم امریکا در رابطه با ایران و علت تلاشهای امریکا بمنظور نزدیک شدن کامل به ایران - همانطوریکه بارها در مقاطع گوناگون از طرف امپریالیستها مطرح شده ، ایران یکی از نقاط بسیار مهم و حیاتی خاورمیانه است که منافع استراتژیک امریکا بستگی تام و تمام به تحولات داخلی آن دارد - امپریالیسم امریکا در تقسیم بندی جهانی ، ایران را جزو مناطق نفوذ خود دانسته و همیشه در همسایه کنفرانسهای سری و غیر سری این را اعلام می نماید - امریکا با حمایت از رژیم شاه در منطقه ، نقش خود را در سرکوب جنبشها و مکیدن خون خلقهای منطقه نشان داده است -

رژیم شاه بعثابه سگ زنجیری امپریالیسم نسبت به پاسداری از منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان کوشش بسزایی مصروف داشته و در این راه در خدمت به اربابان خود از هیچ حیانتی پرهیز نمی کرد - در جریان قیام خلقی بر علیه شاه و رژیم مستفورش که برای ابد رژیم سلطنتی به گورستان تاریخ

سپرده شد ، امپریالیسم امریکا بمنظور کنترل کردن قیام و جهت دادن آن و بزعم خود جلوگیری از نفوذ کمونیسم تلاشهای فراوانی را مبذول داشت که شرح آن بکرات آمده است - مردم ایران با قهر انقلابی که دقیقا از انقلاب ناشی میشد توانستند سد عظیمی را در جلوی منافع امپریالیسم امریکا در ایران بوجود آورند و تقریبا تمامی ابادی آنها بهمراه سردسته جنایتکارش شاه خاش بیرون کنند - این انقلاب که حقیقتا به منافع امپریالیسم امریکا در منطقه ضربات بزرگی وارد آورده بود در سراسر حیثیات خونینش و تا کنون همواره مورد هجوم اقتصادی امپریالیسم در پوششهای مختلف بوده است - رژیم ارتجاعی خمینی با ربودن قدرت سیاسی ، تحسنت فشارهای مردم و بخصوص علنی که مردم بخاطر آن انقلاب کرده بودند ، با در پیش گرفتن سیاستهای تحمیق تودهها به آراسی در جهت تهی کردن انقلاب از محتوای آن پیش رفت و اجبارا با دادن شعارهای ضد امپریالیستی مدتی به سرگرم کردن مردم پرداخت و در این رابطه از همیاری و همکاری بعضی نیروها مثل حزب توده و اکثریت سود جست ، ولی درست بخاطر منطق نبودن شکل و محتوای سیستم ارائه شده از طرف خمینی با زیر بنای سرمایه داری وابسته ایران ، خیلی از ترندهای تحمیق کننده تودهها نقش بر آب شده و رژیم مجبور شد هر چه می توانست هر مقدار امپریالیسم امریکا موضع بگیرد - جریان گرفتن سفارت امریکا در تهران و گروگان گیری کارمندان و جاسوسان امریکا در آنجا جز همین ترندها و بمنظور خلع سلاح کردن نیروهای مترقی از شعارهای انقلابی بود - این نمایش که با اینکار بهشتی معدوم در آن زمان صورت گرفت ، توانست تا مدتی افکار را بخود جلب کرده و بعضی از نیروهای بی ریشه و اپورتونیست را بزیبر پرچم خمینی بکشد - ولی سرانجام آن حرکت نیز با بستن قرار داد بسیار ننگینی بر ضد منافع خلق ایران و بعبارت دیگر بسا غارت هر چه بیشتر منابع ملی مردم ایران پایان یافت و سند دیگری بر خیانتکاری این رژیم بدست مردم داد - از ابتدای انقلاب ، امپریالیسم امریکا این دید را دنبال میکرد که روی کار آوردن رژیمی لیبرال که در عین حال حاسی منافع امریکا بوده و از نفوذ اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی جلوگیری کند برای ایران ضروری است و باید در این جهت تلاش کرد - در آن زمان برای امریکا نه بازگشت سلطنت مفهومی داشت و نه حکومت تیب بختیارونه کودتای نظامی - زیرا که هیچکدام از اینها راه حل مشکلی ایران نبود - پس بزعم امریکا باید رژیمی روی کار می آمد که در عین اسلامی بودن بمنظور جلوگیری از نفوذ کمونیسم بتواند بدون دست زدن به ساخت اقتصادی رژیم شاه ، با انجام رفرمهایی تودهها را ساکت کرده و نهایتا در چهارچوب ملی بدون کوچکترین ضرری به منافع امریکا ، اجازه بعضی از آزادیهای فردی و اجتماعی را بدهد - مردسی کسه انقلاب کرده بودند باید بخاطر قطع دستهای امپریالیسم از گانال مبارزه با حاکمان جنید وارد میشدند نتیجه تضادهای درون حاکمیت که بطور روزافزون تحت تاثیر مبارزات تودهها بوده و هر دم شدت میافتت به پیروزی جناح طرفدار ولایت فقیه که شدیداً

شعارهای مخالفت با امریکا میداد ، منجر گردید و جناحهای دیگر سرکوب با عقب نشینی کردند - در همین رابطه جناحهای طرفدار ولایت فقیه کسه حکومت را در دست گرفته بودند دست به سرکوب عربان تودهها زده و با استفاده از حربه جنید توانستند به حکومت خود ادامه دهند تضاد بین رویای قرون وسطایی و طرز تفکر ارتجاعی رژیم خمینی با زیر بنای اقتصادی جامعه ایران هیچگاه تصور کنار آمدن با این رژیم را برای امپریالیسم بصورت مادهای عینی در نیآورد - امریکا همیشه در پی ساختن الترناتیوی موافق خود در ایران بوده و در این رابطه بعد از شکستهایی که از سرمایه گذاری روی جناحهای طرفدار خود متحمل شد و بعد از اینکه تمامی طرحهای وی در این رابطه با شکست روبه رو گردید ، بمنظور ادامه حیات رژیم ننگین خمینی تا بوجود آمدن الترناتیو مورد قبول خودش بصورت مخفیانه از رژیم خمینی در جنگ با عراق حمایت بعمل آورد - امپریالیسم امریکا که وجود مقاومت قدرتمند و الترناتیوی بی بدیل رژیم خمینی بمعنی شورای ملی مقاومت را بخوبی بعنوان بزرگترین خطر برای منافع خود محسوب می دارد - بعد از تلاشهای بی ثمر و سرمایه گذاری های مجدد روی بختیار و پسر شاه خاش و جریان استحاله و بعد از ناامید شدن کامل که بحق در اثر کوششها و مبارزات ثمر بخش و حماسه سازی فرزندان خلق و گانوش خلق یعنی شورای ملی مقاومت می باشد ، ناچارا روی یک جناح از خود رژیم که بنا به گفته روزنامههای امریکایی از بقیه دمکرات تر است بمعنی رفسنجانی و اطرافیان حساب باز کرده و در این مرحله که مرحله انتخاب بین شورای ملی مقاومت و رژیم خمینی است ، انتخاب خود را کرده - مسلما امپریالیسم امریکا بخوبی میداند که شورای ملی مقاومت با تأکید و با فشاری روی اصول استقلال و آزادی به هیچوجه چاره ای بجز انتخاب خمینی را برای وی باقی نگذاشته و بهمین منظور تمامی سرمایه گذاری امپریالیسم از این به بعد روی بقای رژیم خمینی خواهد بود -

با توجه به مطالبی که گفته شد و اینکه استراتژی امریکا حفظ رژیم خمینی بمنظور ساختن الترناتیو مناسب است و از طرفی با دانستن این مسئله کسه ادامه حیات رژیم خمینی در گرو جنگ است ، روشن میشود که کمک های تسلیحاتی امریکا به ایسوان از کجا ناشی شده و صرفا نه مسئله گروگانها در این رابطه مطرح است و نه بتنها بی سود حاصل از اینکار برای کمپانیهای اسلحه سازی امریکا -

دلیل اساسی این حمایت، تنها و تنها در اعتسلاقی مقاومت انقلابی به رهبری شورای ملی مقاومت است که با پیروزیهای درخشان سیاسی و نظامی در غرضه های مختلف داخلی و خارجی همه را محبور بکسه گرفتن موقع عینی و عملی که سرانجامی بجز شکست برای ضد خلق و پیروزی برای خلق قهرمان ایران ندارد ، نموده است ،

گسترش مناسبات اقتصادی رژیم خمینی با آمریکا

توضیح: صدای آمریکا به نقل از یکی از روزنامه‌های آمریکا پیرامون روابط اقتصادی رژیم خمینی با آمریکا مطلبی دارد که برای اطلاع خوانندگان نبرد خلق متن کامل آنرا منتشر میکنیم.

وال استریت ژورنال می‌نویسد تحت پوشش فرستاد شعارها و لفاظی‌های ضد آمریکایی ایران راهبردی از سر گرفتن مناسبات کامل بازرگانی با شرکتهای تجاری ایالات متحده آماده می‌سازد. از سال گذشته جریان دادرسی‌های دیوان لاهه که ادعاهای ایران و آمریکا را تحت بررسی و حکمیت دارد، به‌شتر جنبه رسمی بخود گرفته است. مقامات آمریکایی می‌گویند: ایران اخیرا برای خرید محصولاتی چون لوله‌های آزمایشگاهی، کتب درسی، خواربار، دارو و لوازم یدکی مستقیما با شرکتهای آمریکایی تماس گرفته است. چنین تماسهایی تا زگی ندارد ولی به گفته شرکتهای آمریکایی اینگونه تماسها که قبلا از طریق میانجی انجام میگرفت اکنون مستقیما از سوی ایرانیان به عمل می‌آید. وال استریت ژورنال می‌نویسد به گفته خانم "کارتس فاهاره" که تا ماه

گذشته مسئول دفتر امور ایران در وزارت بازرگانی آمریکا بود سبیل تلفنهای شرکتهای آمریکایی حاکی از افزایش آنت و اینکه معامله و دادو ستد با ایران قانونی است یا خیر؟ از زمان گروگانگیری در تهران فروش وسایل و برخی از وسایل مرتبط با تکنولوژی پیشرفته به ایران غیر قانونی اعلام شد. ولی فروش بسیاری از محصولات و کالاها قانونی و مجاز است. به پیش بینی کارشناسان با ادامه وخیم شدن اوضاع اقتصادی ایران تماس تهران با آمریکا گسترش خواهد یافت. علاقه ایران به سرگیری مناسبات کامل بازرگانی با آمریکا نشانه آنت است که ایران مایل است در تلاشهای فوری خود برای بدست آوردن جنگ افزارهای نظامی جهت استفاده در جنگ شش ساله‌اش با عراق مطمئن شود. ولی هیچ کس انتظار ندارد که مناسبات دو کشور بزودی رو بگرمی گذارد. روزنامه وال استریت ژورنال به نقل از پیش بینی یک مقام ارشد دولست ریگان که دست اندرکار سیاستهای خاورمیانه است می‌نویسد: احتمالا قبل از آنکه مجددا پرچم آمریکا بر فراز سفارت ایالات متحده در تهران به اهتزاز

بقیه از صفحه ۷

هشتمین

دادند و دو طرف را به آتش بس و صلح دعوت کردند. راجیو گاندی و رابرت موگابه از ۶ سال جنگ بیسن ایران و عراق ابراز تأسف نموده و از هر دو کشور خواستند که به این جنگ خانمانسوز پایان دهند. خامنه‌ای که برای توضیح سیاستهای رژیم خمینی به این کنفرانس رفته بود، در سخنرانی خود باز هم بر سیاستهای جنگ افروزان رژیم ارتجاعی اش تاکید نمود و به تندیه کشورهای خواستار صلح حمله نمود. وی از کنفرانس خواست تا عراق را از جنبش اخراج کند. در هنگام سخنرانی خامنه‌ای، رئیس کنفرانس، بخش تلویزیونی داخلی سخنرانسی خامنه‌ای را قطع نمود. با این اقدام موگابه، رژیم خمینی از نظر حیثیتی ضربه خورد. حاضرین در کنفرانس در خلال صحبت های خامنه‌ای، عمق روحیه جنگ افروزی رژیم خمینی را مشاهده نمودند. سخنرانی خامنه‌ای با عکس العمل سرد حاضرین مواجه شد. در مقابل باسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین، در سخنرانی خود گفت "بدون زودریاستی و بدون تعارف بگویم که ۶ سال جنگ بی است، بس است، بس است" وی به خامنه‌ای نگاه می‌کند و می‌گوید "این همه وساطت را چه از طرف جنبش عدم تعهد، چه از طرف ملل متحد و چه از طرف طرف سازمان کشورهای اسلامی، به شما پیشنهاد شده ببینید" در اینجا حاضرین با کف زدنهای معتد از سخنرانی عرفات پشتیبانی می‌کنند و خامنه‌ای که کاملا منزوی و مفتضح شده بود، بدون هرگونه حرکت، مات و مبهوت، در جای خود نشسته بود. خامنه‌ای چنانکار در پاسخ به سخنان باسر عرفات دعوت صلح وی را غیر سازنده خواند و از خواست صلح دیگران نیز با ناراضی صحبت کرد. سرای آنان که باید بدانند، روشن شد که رژیم خمینی دست

در آید مناسبات بازرگانی و تکنولوژی دو کشور از سر گرفته خواهد شد. بجز دادو ستدهای تجاری عملا ارتباط دیگری بین دولتن آمریکا و ایران وجود ندارد. روزنامه وال استریت ژورنال پس به سابقه مناسبات و برخوردهای نمایندگان ایران با نمایندگان شرکتهای خارجی آمریکایی در دادگاه لاهه اشاره کرده می‌نویسد: پس از آنکه در پی زود خورد دو تن از هیئت داوران ایران با سبک داور بی طرف سوئدی روی داد مقامات آمریکایی از هیئت ایرانی بعنوان افراد حرفه‌ای محترم ستاد می‌کنند. صدای آمریکا - ۲۹ شهریور ۶۵

برخی از مهم

بقیه از صفحه ۱۲

۱۹۸۴ - ترور ناجوانمردانه ایندیبرا گاندی نخست وزیر هند
۱۹۸۴ - برگزاری اولین انتخابات عمومی در نیکاراگوئه و پیروزی جنبه ساندینیست
۱۹۱۷ - انقلاب کبیر اکتبر، اولین انقلاب پیروزمند پرولتری در جهان
۱۳۲۴ - تشکیل فدراسیون جهانی جوانان دمکرات
۱۹۷۶ - پیروزی انقلاب آنگولا بر استعمارگران پرتغال و تاسیس جمهوری خلق آنگولا

کنفرانس غیر متعهدها و دیدار خامنه‌ای با سران کشورهای جهان سوم، فرصت مناسبی بود برای تفهیم مواضع ایران برای بسیاری از کشورها، اگر چه بافت نهضت و حضور برخی از کشورها، از جمله کشورهای وابسته، مانع موضع گیری این جنبش در مسائل خاد بین المللی و عدم قاطعیت آن در محکو - محبت رژیم عراق، نقطه ضعف انگار ناپذیری برای عدم تعهد بحساب می‌آید. در این برنامه رانیوی رژیم اعلام می‌کند که تنها قطعه‌نامه‌های را می‌پذیرد که عراق را محکوم نمایند.

بهر حال کنفرانس با رد نظر ایران و تاکید بر صلح و آتش بس، سبب منزوی شدن رژیم خمینی گردید اما این پیروزی برای مقاومت ایران که بر خواست صلح تاکید اساسی دارد یکباره بدست نیامد. این پیروزی محصول تلاشهای قهرمانانه نیروهای مقاومت و مردم ایران در صحنه داخلی، در ضحیت با جنگ و مبارزه برای صلح و نیز تلاشهای شورای ملی مقاومت در صحنه جهانی در اضا سیاست جنگ افروزان رژیم خمینی، حاصل گردید، بنا بر این حفظ این دستاورد و بدست آوردن پیروزیهای دیگر در نتیجه تداوم مبارزه برای نابودی جنگ، سرنگونی رژیم خمینی و استقرار صلح و آزادی میسر خواهد شد. هر ایرانی آزاده و مهربن دوست و هر انقلابی راستین با تاکید بر شعار صلح و آزادی، ضربه‌ای به رژیم خمینی وارد خواهد کرد. پشتیبانی از مبارزه مسلحانه انقلابی و تاکید بر این مبارزه دوران ساز پشتیبانی از طرح صلح شورای ملی مقاومت، وظیفه ای است که انقلاب و مقاومت بر عهده تمامی مردم ایران و نیروهای رزمنده مقاومت گذاشته است. بنا آرزوی اینکه در کنفرانس آینده غیر متعهدها، نمایندگان واقعی مردم ایران شرکت نمایند.

خسرو - کردستان

۶۵/۷/۱

از جنگ افروزی و " صدور ارتجاع " بر نخواهد داشت زیرا این تبلیغیست، یکی از اصول اساسی حکومت ولایت فقیه خمینی است و ابزار پیشبرد این اصل نیز جنگ و بحران زایی است. همین جهت کنفرانس در قطعه‌نامه نهایی خود خواستار آتش بس در جنگ ایران و عراق و صلح بین دو کشور شد. رژیم خمینی با رد این بخش از قطعه‌نامه عملا هر چه بیشتر منزوی شد.

قطعه‌نامه نهایی کنفرانس موارد زیر را بعنوان موضع جنبش اعلام نمود.

۱- قدرتهای هسته‌ای جهان را به قطع آرمایشات هسته‌ای دعوت نمود و از این زاویه بر تشنج زدایی و صلح جهانی تاکید نمود.

۲- از آمریکا و انگلیس خواسته شد که از پشتیبانی و حمایت رژیم نژاد پرست افریقای جنوبی دست کشیده و تحریم اقتصادی در مورد این رژیم نژادپرست و حافظ آپارتاید را به اجرا در آورند، به لحاظ حمایت از رژیم افریقای جنوبی، آمریکا و انگلیس محکوم شدند.

۳- کنفرانس خواستار تشکیل یک صندوق کمک اقتصادی به کشورهای خط مقدم جنبه که از تحریم اقتصادی رژیم آپارتاید پرتوریا ضرر بسیار می‌بینند شد.

۴- حمله آمریکا به لیبی و کمک آمریکا به ضد انقلابیون نیکاراگوئه محکوم شد.

۵- از ایران و عراق خواسته شد که به جنگ ۶ ساله پایان داده و با آتش بس فوری مذاکرات برای صلح را آغاز کنند.

۶- بر خروج نیروهای خارجی از خاگ افغانستان و کامبوج تاکید شد.

در روزهای اختتام کار کنفرانس، صدای ارتجاع در برنامه خبری روز ۱۶ شهریور ماه اینگونه موضع گیری نمود: " حضور قوای ایران در هشتمین

خاطرات ...

بقیه از صفحه ۱۲

آن سر و وضع کالشی کسی بما مشکوک نمی شد. بعد از چند دقیقه انتظار آن مزدور نیامد. فکر کردیم که رفته است. خواستیم به داخل مدرسه برویم این کار با توجه به اینکه اولین عمل مشترکمان بود براساس تهدید بیشتری در بر داشت. در این فکرها بودم که دیدم یک نفر از بیج کوچه بهرون آمد، بنظم خوردش بود ولی برای اطمینان از حسین پرسیدم خودش است او گفت بله. مزدور خیلی تند راه میرفت انگسار عجله داشت. جلو رفتیم گفتیم میرزایی شما هستید گفت بله کاری داشتید؟ بلافاصله کلت را کشیدیم. او در حالی که نیم خیز به عقب بر می گشت دستهایش را به حالت تسلیم تا شانههایش بالا آورده بود. کلمات گنگی ادا کرد او دیگر نمیتوانست حرف بزند زبانش بند آمده بود. من میبایستی اولین تیر را به مغزش میزدیم، این کار از فاصله یک متر انجام گرفت و ۳ تیر دیگر به سینه و شکمش شلیک کردم او نقش بر زمین شد. پس از شعار دادن و شلیک تیسر هوایی توسط حسین، وارد یک باغ ختمیم و از آنجا به طرف جنگل حرکت کردیم. در حالی که ما بسا حالت دو حرکت می کردیم، شنیدیم که عده ای فریاد میزدند، گشتند، گشتند. ما با مهارت خاصی توانستیم سربها از منطقه تسلط دشمن خارج شویم پس از یک ساعت وارد جنگل ختمیم و پس از مقداری استراحت به حرکت خود ادامه دادیم. ما تصمیم گرفتیم از منطقه رضوانشهر و جنگلهای خلیفه آباد گذشته و به حوالی پایگاه باز گردیم زیرا که احتمال داشت جاده پررتر که ما میبایستی از آن عبور

کنیم در محاصره نیروهای رژیم باشد.
(ادامه دارد)

زیر نویس:

۱- مکان استقرار در جنگل را به شیوههای مختلف میتوان حل کرد. با یک ناپلین که ۵ در داشته باشد و با استفاده از شاخ و برگ درختها میتوان مسئله استقرار یک واحد ۱۵ نفره را حل نمود. البته از غار و شکاف کوهها، یا کندن زیر زمین هم میتوان استفاده نمود. ولی بعلت تحرک داشم داشتن ناپلین و استفاده از آن مناسب تر است. البته در زمستان بعضی از خانههای کوهستانی که گالش ها آنسرا بعلت سرما و مراجعت به محل های گرم بجسای می گذارند، مناسب است.

یادداشتی ...

بقیه از صفحه ۱

بردن قیمت نفت که تنها منبع درآمد رژیم است می نماید. به همین دلیل است که در ماه گذشته آفازاده وزیر نفت رژیم خمینی برای توافق در زمینه میزان تولید نفت و قیمت نفت به کویت و عربستان سفر کرده است و در این ملاقاتها بر برقراری روابط اقتصادی بین دو کشور تاکید شده است. البته کنار به اینجا ختم نشده است و در پی تعقیب همین سیاست که رژیم مواضع جدیدی در قبال کشورهای عربی که در جنگ به عراق کمک کرده اند اتخاذ نموده است. ولایتی وزیر امور خارجه رژیم، طی مصاحبه ای که با خبرنگاران خارجی بعمل آورد از تعادل به برقراری روابط با این کشورها (کشورهای حوزة خلیج) و حل اختلافات سخن گفته است و هنگام بازگشت از مجمع عمومی سازمان ملل اظهار داشت: با اینکه کشورهای خلیج فارس با متحمل کردن سرنوشت خود با سرنوشت عراق دچار اشتباه بزرگی شده اند، معالوف اکنون فضای مناسبی برای بهبود روابط ایران با این کشورها بوجود آمده است. علاوه بر این رجایی خراسانی نماینده رژیم خمینی در سازمان ملل در مصاحبه با خبرنگاران اظهار داشت طی سال گذشته تعاسهایی با عربستان سعودی، امارات متحده عربی و کویت برقرار شده است تا در باره امکانات اسمیتی و صلح در ناحیه توافقیایی بدست آید.

روشن است که فضای مناسبی که ولایتی از آن دم میزند چیزی جز وضعیت اسفبار کنونی، پاشیدن آمدن سطح تولید نفت در اثر حملات عراق به منابع نفتی و کاهش قیمت نفت و عجز و ناتوانی رژیم در تکمیل هزینه جنگی، نمیباشد. ناچارا از مواضع قبلی شان کوتاه آمده و با این کشورها (که حامی منافع مدام و وابسته به استکبار جهانی میدانستند) و قصد "گوتعالی و قول" تنبیه کردنشان را به

مردم ایران و جهان میدانند، در صدد بر قرار کردن ارتباط بر آمده اند. پس واقعا فضای مناسب فراهم شده است. همچنانکه قبلا هم گفته ایم اگر چنانچه به فرض ایران در این جنگ هم پیروز شود و بر عراق غلبه کند، جنگ خاتمه نمی یابد و رژیم تا "دقیق فتنه" در عالم به جنگ ادامه خواهد داد و مسلما شعله جنگ خیلی زود به کشورهایی که اکنون رجایی خراسانی قصد فراهم نمودن امکانات امنیتی را برایشان دارد، نیز سرایت می کند. زیرا مسلما معتقدیم که ادامه حیات رژیم خمینی در گرو "مدور انقلاب اسلامی" (بخوان صدور ارتجاع) و ادامه جنگ می باشد، در حالی که صلح و امنیت در این منطقه در گرو سرنگونی انقلابی رژیم خمینی می باشد.

اخبار ...

بقیه از صفحه ۵

میلیارد دلاری ایران (حدود ۶/۷ میلیارد فرانک فرانسه) داده شود.

در روز یکشنبه ۹ نوامبر ۸۶ مراسمی از طرف انجمن دانشجویان مسلمان آلمان، هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران در شهر کلن برگزار گردید. در این مراسم که شامل برنامه های سخنرانی، نمایش و بندشو و اجرای موسیقی بود حدود ۲۰۰۰ نفر از هموطنان ما شرکت نمودند. رفقای هوادار سازمان در کلن بسا برگزاری مهر کتاف و پخش نشریات سازمان در این مراسم شرکت فعال نموده و با استقبال گرم هموطنان مبارزمان روبرو شدند.

فرومایگان سیاسی و این فرصت طلبان بازار بسی رونق ور شکستگان می پنداشتند که با خروج مسئول شورای ملی مقاومت از فرانسه، یگانه الترناتیسو دمکراتیک مردم ایران در هم گسسته خواهد شد و راه برای معامله علنی آنها با رژیم جنایتکار خمینی باز خواهد گشت. حال آنکه جز رسوایی سیاسی و تشدید ور شکستگی، چیزی نصیبشان نشد. "شورای ملی مقاومت" یک نیاز تاریخی و یک پاسخ غیرسر قابل تردید به مصالح این مقطع از انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران است و با ایس تصمیمات ضربه نخواهد خورد. این شورا می ستحکم است که سنگرهای مقدس آن در خاک ایران و در محاف خونین با دژخیمان خمینی مقاومت می نماید و هیچ خارجه نشین ور شکسته ای قادر به نفی آن نیست. بجاست تا هواداران باند موسوم به "اقلیت" از این تجربه همانند دهها تجربه مشابهی که در طول سالهای اخیر از این دارودسته دیده شده درس بگیرند و در حفاظت از سنت خونبار و گرانقدر فدایی از این باند اعلام انزجار و جدایی نمایند.

شب نامه های ...

بقیه از صفحه ۱۴

ایران رخ میدهد آنگاه ساختند و با وارد آوردن فشارهای بین المللی بر این رژیم پوسیده به دفاع از زندانیان قهرمان سیاسی و حقوق سیاسی مردم ایران پرداختند.

در مقابله با این مقاومت عادلانه رژیم خمینی تمام نیروهای خارجی خود و تمام بندوبست های ارتجاعی اش با امپریالیسم را بکار گرفت تا مگر از دامنه فعالیت شورای ملی مقاومت بکاهد و بدین منظور تشبیقات جدیدی اعمال گردید که عاقبت به عزیمت آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت از پاریس انجامید. لیکن رژیم خمینی در این اقدام تنها نبود. دارودسته های باصطلاح انقلابی نیز همراه با ارتجاع حاکم بر ایران در این توطئه نتگین و این فرومایگی شرکت جستند که بارزترین نمونه آنها دارودسته موسوم به "اقلیت" می باشد. این دارودسته مد پاره که نام "فدایی" را غصب کرده و به عبت آنرا به منبع "اعتبار سیاسی" تبدیل کرده بود، همزمان با افزایش ایجاد توطئه رژیم خمینی، حملات گسترده ای را علیه شورای ملی مقاومت و شخص مسئول شورا آغاز کرد و تا آن حد پیش رفتند که با خواست "اخراج" وی از فرانسه در مقابل ستاد مرکزی شورای ملی مقاومت در منطقه "اورسواواژ" دست به تظاهرات زده و هم زبان بسا خمینی جلد شعار دادند و خورشومی گردیدند و باهیت شد انقلابی خود را بروز دادند. ایس

تصحیح و یوزش

در نشریه شماره ۲۴، صفحه ۹ ستون دوم "انتقال به زندان قصر" اشتباه و صحیح آن انتقال به زندان قصر می باشد. همچنین در صفحه ۱۴ همین نشریه، ۲۹ خرداد ۱۳۵۹ شهادت دکتر علی شریعتی، اشتباه و صحیح آن ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ می باشد. در نشریه شماره ۲۸، صفحه ۲ ستون سوم، مطر ۲۲ اشتباه نوشته شده سخنرانی افتتاحیه رفیق سعید که صحیح آن سخنرانی اختتامیه رفیق سعید می باشد.

پیش بسوی قیام مسلحانه توده ای

سرنگون باد رژیم ارتجاعی خمینی

ستحکم تر باد شورای ملی مقاومت

زنده باد صلح و آزادی

سچلخا - پیرو برنامه (هویت) - واحد فدایی

شهید منصور اسکندری ۶۵/۴/۲۳

خاطرات ...

بفمه از صفحه ۱۳

هدف خودم را از آمدن به جنگل توضیح دادم و سلسله عملیات ایذایی را که بعد از ۳۰ خرداد انجام داده بودم برایش شرح دادم. عملیاتی که من انجام داده بودم شامل آتش زدن کشت بلا در هشتپر طوالش، آتش زدن کارخانه چوب بری در شهرک خلیفه آباد و چند مغازه دیگر در این شهرک که متعلق به مزدوران حزب الهی بود و خلع سلاح یلک کشت سیاه که دارای یک قبضه مسلسل بود (بعدها مسلسل را به جنگل بردم) شعارنویسی و چند مسرود تهدید حزب الهیها از طریق نامه برای دست کشیدن از مزدوری و آتش زدن ماشین رئیس پاسگاه اسلسم به جرم همکاری با سیاه جهت ضربه زدن به نیروهای جنگل. در ضمن راجع به آمدن رفقا به جنگل که فرار بود بطور مستقل شروع به فعالیت کنند با سعدی صحبت کردم. او نیز قول داد در حد توان کمک کند.

چند ساعتی در محوطه خانه روستایی قدم زدیم نزدیک صبح بود که گفته شد باید به جنگل عقب نشینی کنیم. افراد خیلی زود آماده حرکت شدند بعد از خدا حافظی با رفیق خودم، بدون ایجاد سر و صدا از داخل روستا عبور کرده و به پای کوه رسیدیم. سیمده دمیده بود و آخرین لکههای سیاهی از آسمان زبونه میشد تا آنزمان هنوز در چمن موقعی از صبح وارد جنگل نشده بودم. هوای رقیب کوهستان ریه انسان را پر میکرد. از چمن کوه گذشتیم و بسوی ارتفاعات شمال غربی شهر (هشتپر طوالش) حرکت کردیم. ۷ ساعت در راه بودیم در این مدت افراد واحد خیلی آهسته صحبت میکردند و سعی میکردند در تماس با هایشان با شاخ و برگ سطح جنگل صدای زیادی ایجاد نشود و گفته شده بود امکان کمین در مسیر وجود دارد با فاصله چندین متر از هم حرکت میکردیم و افراد جلودار و عقب دار برای مقابله با تعرض احتمالی مشخص شده بودند سعدی گفت ما ضابطه گذاشته‌ام که در روز هیچگونه حرکتی در اینگونه مناطق نداشته باشیم مگر در موارد استثنایی با سواردی که تشخیص دهم در آن مناطق کسی وجود ندارد، او گفت مناطق غالباً به ۳ قسمت تقسیم شده‌اند مناطق سرخ که شامل اطراف شهرها و روستاهای بزرگ و راههای اسفالت، مناطق زرد که شامل جاهایی میشود که فاصله زیادی با جاده‌ها و شهرها داشته باشد و مناطق سفید که شامل اعماق جنگل میشود که امکان هجوم دشمن به آنجا ضعیف است یا اگر بخواهد دشمن به آنجا بیاید باید با نقرات زیاد و تجهیزات جنگی مجهز و هلی کوپتر بیاید که ما متوجه حرکت دشمن خواهیم شد.

رژیم شاه پس از حمله سیاهکل برای از بین بردن زمینه جنگ چریکی با احداث جاده‌های متعدد همه نقاط جنگل را به هم متصل کرده و بعد شهرهای کوهپایه وصل کرده است بنابراین چسبیدن بنام عمق جنگل باقی نمانده است. البته این را به سپاه بهره برداری از جنگل انجام داده، هر چند این هدف را نیز داشته است ولی از بین بردن زمینه جنگ چریکی را نیز مد نظر داشته است و این کار برایش از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و رژیم کمونی نیز از همین راهها نیرو به جنگل وارد

میسازد. در نتیجه باید گفت چیزی بنام عمق جنگل باقی نمانده است. به تند بیج یک کوه رسیده بودیم که او با اشاره به یک کوه بزرگ و پوشیده از درخت شمشاد گفت اینجا مستقر میشویم. بعد از نیم ساعت به آنجا رسیدیم ما دیگر به پایگاه رسیده بودیم. پایگاه در میان انبوه درختان شمشاد که در زمستان نیز معمولاً طراوت و سبزی خود را از دست نمیدهند قرار گرفته بود. وارد انبوه بوته‌های شمشاد شدم در وسط درختها یک چادر برزنتی^(۱) قرار داشت که بر روی آن انبوهی از شاخها و ساقه‌های درخت قرار گرفته بود. بلافاصله نگهبان در جاسای خوش پشت یک درخت بزرگ که بچشم منم نمیشد قرار گرفت. داخل چادر یک ضبط کهنه و یک رادیو و چند جلد کتاب قرار داشت. بعد از چند دقیقه سعدی از جیبش یک نقشه درآورد که خودش کشیده بود. او تمام کروکی آن نواحی را پیاده کرده بود تمام روستاها و شهرها و مراکز نظامی رژیم را کشیده بود. بعد از چند دقیقه شروع کرد به توضیح وضعیت، او گفت این پایگاه موقت ما ست در شمال شرقی ما شهر "هشتپر طوالش" در شرق است. آذربایجان و جنوب شهر رشت قرار دارد که بیش از ۱۵۰ کیلومتر با ما فاصله دارد. بعد وارد جزئیات شد و روستاهای اطراف پایگاه را تشریح کرد. توضیحاتش بقدری واضح و جالب بود که احساس میکردم چهلین ماه است در آنجا زندگی میکنم او گفت همینقدر که توضیح دادم کافی است، مسائل امنیتی را باید بسیار دقیق رعایت کرد. قرار شد بعد از چند روز برای آموزش سلاح و نظریات "سپاه احمد" به چندین کوه آنطرف تر برویم. در این چند روز در اطراف پایگاه کشت داشتیم و شبها نیز برای اینکه فافلگیر شویم کمین میگذاشتیم. نان مورد احتیاج را خودمان می‌پختیم. مقصدار زیادی آرد توسط مردم روستا خریداری کرده بودیم. در این چند روز خیلی کم از پایگاه دور میشدم سعی میکردم طوری نشود که آنها جور دیگری در مورد من فکر کنند. آنها همینقدر که بن اطمینان کسریده بودند برای آن مرحله کافی بود. بعد از یک هفته با "احمد" راهی کوههای دورتر از آنجا شدیم. مقداری کنسرو و نان و خرما نیز با خود همسرا بردیم چون ممکن بود یک شب توی جنگل بخواهیم او در بین راه برایم توضیح میداد که چگونه با خطرناک احتمالی از قبیل کمین یا محاصره به مقابله برخوردیم. بعد از ۴ ساعت پیاده‌روی به یک دره تنگ رسیدیم که جای مناسبی برای تیراندازی بود. احمد گفت اگر اینجا تیر شلیک بشود، صدایش بیش از یک کیلومتر نخواهد رفت. اول نحوه باز و بسته کردن ز-۳ بعد بوزی و کلت را برایم توضیح داد و سپس با هر کدام ۲ تیر بطرف یک هدف که روی درخت قرار داشت تیراندازی کردم. دو تیر برای آموزش بسیار ناچیز بود ولی شلیک بیش از آن هم بدلیل صرفه‌جویی در فشنگ و هم بدلیل اینکه صدایش در جنگل می‌پیچید حایز نبود. بعد از محو بوکها و آثار و علائم دیگر به طرف پایگاه حرکت کردیم. شب آرزو در چند کیلومتری پایگاه، استراحت کردیم و صبح زود به پایگاه برگشتیم. پس از اینکه به پایگاه وارد شدیم بچه‌ها در حال دوخت و دوز و بعضی‌ها در حال

مطالعه بودند. من هم شروع کردم به صحبت با بچه‌ها و پرسیدن از تجربه‌هایشان در جنگل. بعد از چند هفته ما موریتی سخن و بلد نفر از افراد واحد داده شد ما موریت ما اعدام انقلابی یکی از عناصر فعال امور تربیتی دبیرستان پسرانه شهرک پره سر بود. البته در این چند هفته ما یک دوره شناسایی گسترده داشتیم که بعلمت درگیری در نزدیکی شهرک پره سر و زخمی شدن یکی از افراد به بعد موکول شد. علاوه بر آن ما دیگر نیروی زیادی برای شناسایی و غمیره نداشتیم و می‌بایستی زودتر از حالت تدافعی درآمده و ضربات نظامی بر دشمن وارد آوریم. چند عملیات در دستور کار بود. قرار بر این بود پس از اینکه ما آن مزدور را به هلاکت رسانیم پاسگاه ژاندارمری اسلم را که شناسایی‌اش رو به اتمام بود خلع سلاح کنیم. پس از گرفتن منقحات مزدور مذکور، کروکی منطقه عملیات و راه عقب نشینی از شهرک به جنگل را با توجه به شناخت قبلی از شهرک کشیدیم. بگورز وقت داشتیم در مورد ساعت و روز عملیات با یکی دیگر از افراد واحد بنام حسین مشورت کنیم و بهترین ساعت و روز را برای عملیات انتخاب کنیم. پس از همفکری و مشورت به این نتیجه رسیدیم که بهترین موقع اعدام او هنگامی است که صبح ساعت ۶/۵ به دبیرستان می‌رود. لازم به توضیح است که این مزدور در سرکوب و امنیت و آزار نیروهای انقلابی چه قبل از ۳۰ خرداد و چه پس از آن نقش فعالی داشته و بطور مشخص در دستگیری و اعدام مجاهد شهید محمد ستوده، نقش اصلی را به عهده داشته است. او همچنین از اعضای فعال نیروهای امنیتی سپاه بود که در لغافه شغل خویش میتواندست عناصر بیشتری از نیروهای انقلابی را شناسایی کند. در ضمن آدمی قریبکار و به چند مورد عمل غیر اخلاقی در مدرسه و شهرک متهم بود. راهها و مسیر رفت و برگشت را کاملاً از روی کروکی در ذهن خودمان مجسم کرده بودیم و آمادگی لازم را برای عملیات کسب کرده بودیم. ما می‌بایست سه وسیله یک جامه چوبانی که بسیار بلند است و در شمال به آن "بشق" می‌گویند داخل شهرک شویم در آن مناطق این لباس بسیار عادی است. و بعلمت بلند پوشش می‌توانستیم براحتی سلاحمان را در زیرش استتار کنیم. خلاصه روز موعود فرا رسید و ما خود را به یکی از باغهای اطراف آن شهرک رساندیم. یک شب در آن باغ بسر بردیم. با عادی‌سازی لازم خود را به منطقه رساندیم. در آن موقع اصل بر پنهان شدن نزد هر شخص چه نظامی و چه غیر نظامی بود. ولی در چند مورد با افراد عادی برخورد کردیم که لباس چوبانی ما این فکر را در آنها بوجود آورد که ما چوبان هستیم. ما در آن مرحله با مردم تماس زیادی نمی‌گرفتیم، بعدها بود که با مردم تماس گرفتیم و از طریق گرفتن آذوقه همردی آنها را نسبت به خود احساس می‌کردیم و آنها را تشویق به مبارزه میکردیم. رفیقم به زبان آن نواحی مسلط بود و این برایمان نقطه قوتی بشمار می‌آمد. خلاصه شب را در همان باغ بسر بردیم و صبح زود به محل مسرود نظر رفتیم. حدود ساعت ۷ بود که به محل عملیات رسیدیم. محصلین در آن خیابان در تردد بودند. سا

خاطرات ...

نیمه از صفحه ۱۲

سلحخانه انقلابی را روشن نموده و نیز تلاش بخشی از رفقای فدایی که از سال ۶۰ با اعتقاد به مبارزه سلحخانه انقلابی، در جنبش مقاومت شرکت داشته اند، را روشن می‌کند. ما این خاطرات را در چند شماره منتشر می‌کنیم. "نبرد خلق"

با دروهای انقلابی و بی پایان چند روز پیش بود که یکی از رفقای مسئول سازمانی به من گفت خاطراتی را که از جنگل داری سوسیس شاید این اولین باری باشد که تصمیم به انجام چنین کاری گرفته‌ام. این کار از جنبه‌های مختلف برایم مشکل است. من بیشتر عادت کرده‌ام گزارشی کوتاه تشکیلاتی و غیره بنویسم تا بگذرد جریان مغل که چند سال از آن گذشته است و بمنیال آن حوادث مختلفی رخ داده است که از هر جهت موقع نوشتن مرا دچار تردید می‌کند. جریان‌ها آنموقع بر اثر گذشت زمان مانند تصویب‌های کم‌رنگی هستند که برای دقیق نوشتن آنها احتیاج به فکر و مکتب بیش از حد دارم. در آزمون وقایع بسیار سریع می‌گذشت رفتن آنها، آفتابها، قرارها، دستگیرها، اغداها، درگیرها چنان سریع و تند انجام می‌گرفت که گویا کارها کنه تر از این پیشرفت نمی‌داشت. معمولاً کارها بسیار شتابزده‌گی خاصی انجام می‌گرفت. کمتر کاری بود که حساب شده انجام بگیرد. سرعت حوادث به انسان مجال فکر کردن نمی‌داد. آنطور که بادم هست روی عملیاتی که مهم بودند بیشتر فکر و مشورت می‌شد. بچه‌های جنگل غرق در شور و شوق بودند، همه کارها را بر وفق مراد می‌دیدند. خیلی کم دیده می‌شد کسی بگوید این کار دشمنی نیست. این کلمه در حد کفر بود. حالا وقتی به آنروزها می‌اندیشم مسائل به همان صورت تند و هیجان انگیز از جلوی چشم عبور می‌کنند و به من مجال دقت بیشتر نمی‌دهند. هر گاه به جنگل می‌انیشم وجود لبریز از غم توام با شادی خاصی میشود و احساس ناشناخته‌ای به من دست می‌دهد، یاد دوستان شهید همواره برایم ناراحت کننده است. یاد "نصیب" که در میان حلقه محاصره مزدوران پاسدار و بسیجی با صدای بلند می‌خندید و فریاد می‌زد جلو بیاید مزدوران زبون! و شعر همیشه خودش را به زبان بوموسی می‌خواند (لبچه طالبی) او شاعر بود. شعرهای زیبای او را، همه ما از حفظ بودیم. مردم طالبش نیز از شعرهای نصیب خوششان می‌آمد. زیرا که به زبان آنها و برای آنها شعر می‌گفت.

او هنگامی که رفقایش در حین اجرای یک فرار در محاصره مزدوران افتاده بودند به کمکشان شافتند بود و هنگام شکستن حلقه محاصره دشمن به شهادت رسید. یاد "احمد" با آن چهره زیبا و سفید بومی‌اش را فراموش نمی‌کنم. او را بخاطر می‌آورم که در زیر باران غرق در گل ولای در حالی که سلاح را در دست می‌فشرد با نفس تنگی می‌گفت درگیر شدم اما شانس آوردم که هوا تاریک شد و بسا خوشحالی کوله نان و خرما را بلند کرد و گفت: جنگلی شکست ناپذیر است. او تدارکات جنگل را میرساند و چند روز بعد در یک نبرد حماسی شهید

شد و همه ما را غرق در اندوه ساخت. یاد آنها قلب انسان را غرق در اندوه می‌سازد. نمونه‌های بسیاری از حماسه و مقاومت وجود دارد که همواره در تاریخ مبارزات مردم بیاد مانده است و علیرغم کوششهای ارتجاع برای مخدوش جلوه دادن چهره آنها، هرگز یاد آنها برای مردم فراموش نمی‌شود. تبلیغاتی از قبیل آدمکش، دزد، باغی که در میان مردم شمال توسط مزدوران انجام میشود، نخواهد توانست حتی ثروای از اعتبار آن مبارزان شهید را بکاهد. اینک بشر یک از آن حماسها در میان مردم گالش افسانه‌ی گشته است جاویدان و همیشگی.

تایستان سال ۶۰ بود که رابط سازمانی ام بمن گفت با توجه به شرایطی که داری باید به جنگل بروی.

من پس از درگیری و زرد خوردی که با حزب الهی‌های محل داشتم بصورت نیمه مخفی زندگی می‌کردم. او هدف از این کار را برایم توضیح داد و گفت در آینده نزدیک سازمان طرحهایی برای فعالیت در جنگل دارد که تو بایستی یکسری شرایط را در آنجا بوجود بیاوری. از قبیل شناسایی مناطق شامل شناسایی راهها، روستاها و مناطق استقراری جنگلی و همچنین ارتباط با مردم روستاها، و برآورد توان آنها در همکاری و کمک رسانی و همچنین ساختن پناهگاه و انبار مهمات و خلاصه کسب تجربه زندگی و مبارزه در جنگل. بعد از چند روز بسا

سمیاتی پای جنگل تماس گرفتم و از آنها سراغ مجاهدین مستقر در جنگل را گرفتم. من به محل یکی از این سمیاتی، که خانه‌ای زیر کوه قرار داشت مراجعه کردم. نیمه شب به آن روستا وارد شدم و با استفاده از تاریکی شب وارد حیات خانه شدم او را صدا زدم. او با لبچه غلیظ شمالی گفت کسی هستی این وقت شب، گفتم آشنا، بیرون آمد بعد از احوالپرسیهای اولیه و زمینه‌سازیهای قبلی گفتم می‌خواهم نیروهای مستقر در جنگل را ببینم. با خنده گفت خیلی وقت است اینجا نیامده‌اند من به خصوصیات مردم گالش آشنایی داشتم و میدانستم در حین سادگی افراد محتاط و سخت گیری هستند. گفت سمت چیست آن موقع با اسم مختار به جنگل معرفی شده بودم. گفت فردا شب بیست و بیستم چه میشود. او بصورت غیر مطمئن بمن قول داد ولی من فهمیدم که دیدار حتمی است. فردا شب به آنجا رفتم و با رابط واحد مستقر در جنگل تماس گرفتم. او گفت شب ۲۵ شهریور به روستای (کله‌سرا) بیا، آنجا همیگر را می‌بینیم. پس از پرسیدن اسم و مشخصات من، از هم خداحافظی کردیم. تا تاریخ ۲۵ شهریور چند تماس با رابط سازمانی ام برقرار کردم و رهنمودهای لازم را از او دریافت کردم و هم چنین با رفقای که قرار بود بعد از رفتن من به جنگل بیایند تماس گرفتم و آخرین قرارها را با آنها گذاشتم. تا اینکه شب ۲۵ شهریور فرا رسید. من احتمال میدادم که امکان درگیری با لو رفتن قرار باشد، زیرا که ۲ روز قبل از قرار در آن حوالی درگیری رخ داده بود. برای مقابله با اینگونه احتمالات ۲ عدد نارنگی دست ساز اسراهای بسا خود برداشتم. از داخل مزارع برنج عبور کرده و به منطقه قرار رسیدم. هوا خیلی تاریک بود فقط صدای جیر جیرکها سکوت شب را بر هم می‌زد و گه‌گاه

صدای پارس سگها نیز از نور دست بگوش میرسید وارد حیاط شدم آنها قبل از من به خانه مرور آمده بودند. بعد از دیدن نگهبان خودم را معرفی کردم نگهبان فرمانده واحد را که بنام "سعدی" بود صدا کرد. سعدی بیرون آمد و پس از احوالپرسی گرم و مختصر وارد اتاق شدم. آنها همراه با نگهبان در مجموع ۶ نفر میشدند. آنطور که قبلاً شنیده بودم نیروهای جنگل با لباس با سرب و موهای زولیده روزگار می‌گذرانند. با دیدن این بچه‌ها تمام ذهنیت قبلی ام از بین رفت. بجز یک نفرشان کسه شلوار کردی به پا داشت، بقیه شلوار لی پوشیده بودند با لباس تیسر و سر و وضع مرتب همه دور هم نشسته بودند. ۲ نفرشان مسلح به ۲ و ۳ نفرشان مسلح به کلاشینکف بودند. فرمانده نیز یک سوزی داشت. بعد از چند دقیقه سعدی شروع به صحبت کرد و مقداری از زندگی در جنگل و چگونگی برخورد با مردم و راههایی که دشمن می‌تواند از طریق آنها به واحد جنگل ضربه بزند برایم صحبت کرد و همینطور پروسیسی را که باید از سر می‌گذراندم تا به عملیات بروم را برایم شرح داد. البته در جریان عمل آن روندی را که در نظر گرفته بود، طی نشد. زیرا که پی در پی با مزدوران سپاه درگیر میشدیم و مکان عوض میکردیم و این باعث شد که زود بکارهای عملیاتی بپردازم. او گفت عاقد کوتاه مدت برنامه عملیات در دستور کار نداریم. کار ما تقریباً در حال حاضر حفظ خود است. زیرا که هنوز تطبیق لازم را با محیط جنگل بدست نیآورده‌ایم. دوستانی تازه از شهر آمده‌اند و شرایط جنگل برایشان نسا آشنا است. یکسری کارهای دیگر داریم که باید به آنها بپردازیم. مثلاً یکسری شناسایی است که باید انجام بدهیم. این شناسایی از مرز آذربایجان قسمتهای (خلخال) یعنی غرب جنگل شروع شده و تا حدودی انجام گرفته است و باید تا جلگه خور ادامه داشته باشد فکر نکن کار بسیار دشواری است. این کار در عرض یک ماه و یا کمی بیشتر انجام می‌گردد. این برنامه برای ما و واحدهای دیگر که در جنگل مستقر هستند و با هم ارتباط منظم داریم از اهمیت زیادی برخوردار است. البته در این میان مناسب ترین مناطق استقراری باید شناسایی شوند.

شناسایی‌ها شامل شناختن روستاها و راهها و جاده‌ها و مناطقی که در آن آب وجود دارد، میباشد البته ما طی یکدوره تا مناطقی که فردا خواهیم رفت شناسایی کرده‌ایم. ما در این حرکت تجارب زیادی بدست آورده‌ایم. اینرا نیز بگویم که در حین انجام این کارها چندین درگیری نیز داشته‌ایم کسه یکی از افرادمان شهید شد. ما توانستیم این تجربه را بدست بیاوریم که در یک منطقه نایستی بیش از یک یا دو هفته بمانیم. از آن گذشته تعام تردهای ما در مناطقی که احتمال وجود کسی می‌رود باید در شب صورت گیرد. زیرا که در میان گالشها تعداد کمی جاسوس نیز زندگی میکنند تا بحال بیشترین ضربه را از اینها خورده‌ایم. بعدا من متوجه شدم که کمکهای مردمی بسیار زیادتر از این حرفهاست. زیرا که بدون کمک مردم امکان ماندن در جنگل حتی برای یکروز هم میسر نیست. من



توضیح:

پس از ۳۰ خرداد ۶۰ یکی از تاکتیکهایی که در اقلیت آن موقع مورد توجه قرار گرفت مبارزه مسلحانه در جنگل های شمال ایران بود. بدین لحاظ رهنمود به بعضی هواداران داده شد که به شناسایی و تدارکات به جنگل بروند. طبیعا این امر نیز همانند همه موارد مربوط به اقلیت، به علت ترکیب ناهمگون نیروی و عدم اعتقاد کمیته شمال اقلیت به مبارزه مسلحانه، پیشرفت موثری نداشت. اما اعضا و هواداران سازمان که در شمال به مبارزه مسلحانه اعتقاد داشتند به تلاش گسترده ای دست زدند و پس از آنکه به بی اعتقادی اقلیت به مبارزه مسلحانه پی بردند، با حفظ اعتقادات ایندولوپسک خود در صفوف رزمندگان مجاهد خلق به مبارزه مسلحانه ادامه دادند. متن فوق خاطرات یکی از رفقای فدایی است که برای تدارک استقرار واحدهایی از سازمان اقلیت توسط یکی از مسئولین کمیته شمال به جنگل اعزام میشود. این رفیق در اواخر سال ۶۲ پس از اطلاع از مواضع سازمان ما، آنرا منطبق با نظرات خود که از ۳۰ خرداد ۶۰ آنرا بکار می گرفته، دانسته و به صفوف رزمندگان فدایی پیوست. خاطرات فوق، گوشه هایی از مقاومت بقیه در صفحه ۱۳

شب نامه های مقاومت

توضیح: این اعلامیه توسط رفقای سازمان در تهران در تیر ماه ۶۵، تکثیر و پخش شده است.

مستحکم تر باد شورای ملی مقاومت

رژیم ددمنش خمینی که پایه و بنیادش بر استبداد و مبارزه با آزادی نهاده شده است. هدفی جز خفه کردن هر ندای آزادیخواهانه را ندارد. چه در داخل و چه در خارج کشور، ایران از فدای پیروزی تمام با توسل به سر نیزه و کشتار و شکنجه و پسر کردن زندانها و بر پا کردن چوبه دار و رمیف کردن چوخمهای اعدام، آزادی را در داخل کشور سرکوب کردند و در حماسی از خون بر سر بر نفرت بسیار حکومت ننگینشان نشستند. پورش ضد انقلابی رژیم جنایتکار خمینی، گروهی از انقلابیون را وادار به ترک کشور و فریست به خارج نمود تا پایگاهی دیگر جهت تداوم مبارزه با این رژیم قرون وسطایی بر پا شود. مبارزین مقیم خارج از کشور که پیشروترینشان در شورای ملی مقاومت متشکل می باشند علاوه بر ادامه مبارزه در داخل کشور، در سطح گسترده ای به افشا و چهره کریمه رژیم خمینی در خارج از کشور پرداختند و جهانیان را نسبت به نجابیی که در بقیه در صفحه ۱۱

برخی از رویدادهای تاریخی

داخلی:

۱۳۵۷- آزادی گروهی از زندانیان سیاسی
۱۳۴۳- تصویب قانون اعطاء ممنوعیت سیاسی
مستشاران امریکا با احیا کابینه لاسون
۱۳۸۷- اعتصاب کارگران کارخانه چرم سازی تبریز
تحت رهبری سوسمال دمکراتها
۱۳۳۳- تصویب قرارداد با کنسرسیوم بین المللی نفت به استکار پیر نوکر استعمار، علی امینی خاش
۱۳۵۷- اعتصاب ۲۰ هزار کارگر ذوب آهن با خواست لئو محیط حکومت نظامی در کارخانه
۱۳۳۳- تیر باران چند گروه از اصران سارز
۱۳۵۹- اعلام ممنوعیت انتشار روزنامه های مجاهد، بازوی انقلاب و فریاد گود نشین توسط دادستانی ارتجاع
۱۳۰۴- ترور میرزا حبیبی واعظ کبیرانی آقروینی یکی از کمونیست های ایران هنگام طرح لایحه خلع سلطنت قاجار در مقابل ساختمان مجلس
۱۳۵۷- کشتار وحشیانه دانش آموزان و دانشجویان قهرمان در دانشگاه تهران بدست عمال سرکوبگر رژیم شاه خاش
۱۳۵۹- قتل عام روستائیان بی دفاع در ایندرفقش توسط رژیم خمینی
۱۳۵۸- اشغال سفارت امریکا توسط دانشجویان خط امام
۱۳۵۷- سقوط کابینه شریفی امینی و تشکیل دولت نظامی از هزاری و آغاز اعتصاب کارکنان مطبوعات و راهپو تلویزیون
۱۳۳۸- اعتصاب کارگران کارخانه شبنار اصفهان
۱۳۵۸- سقوط کابینه بازرگان
۱۳۳۲- آغاز محاکمه دکتر محمد مصدق، رهبر جنبش ملی شدن نفت، توسط بی دادگاههای رژیم شاه خاش شاه

۱۳۶۲- تصویب طرح شورای ملی مقاومت برای خود مختاری کردستان
۱۳۳۳- اعدام دکتر حسین فاطمی وزیر امور خارجه دولت ملی دکتر مصدق توسط مزدوران رژیم شاه
۱۲۹۲- درگذشت ستارخان سردار ملی خارجی:
۱۹۶۶- روز استقلال جمهوری زامبیا
بقیه در صفحه ۱۰

برای دریافت نبرد خلق

و سایر انتشارات سازمان با

آدرس زیر مکتبه کنید

F. ASSELIN
B.P. 311
75229 PARIS
CEDEX 05
FRANCE

فرانسه <

شهادت فدایی آبان ماه

برای فتح قله های
پر صلابت عشق؛
عشق به آزادی؛
عشق به مردم؛
عشق به بربری؛
یامرگ یلیبوزی.

رفقای فدایی:

سیروس سپهری - محمد رضا چمنی - علی دبیری قسرد
رحیم خدا دادی - عثمان کریمی - هادی اشکانی
لقمان مداش - محمد سلیمانی (امیر) - محمد
داوود نوری - عبدالرضا ماهگیر - مریم دژ آگشاه
مهران محمدی - مجید شریفی - همایون - حبیب
عزت الله بهرامی (موسی) - جنشید دژ آگشاه - مرتضی
فخر طباطبایی - شاهرخ هدایتی
از آبان ماه ۵۰ تا کنون طی مبارزه علیه رژیم شاه
و خمینی شهادت رسیده اند.

بیاد بخون خفتگان ایندرفقش

در سحرگاه ۱۳ آبان ۵۹ مزدوران جنایتکار خمینی بیش از ۳۰ تن از اهالی بی دفاع روستای ایندرفقش (از توابع مهاباد) را به طرز بسیار وحشیانه ای بخالک و خون کشیدند. در این روز روستای ایندرفقش شاهد شکهای پاره شده و سرها و دستها و پاهای جدا شده مردان، زنان و کودکان بی دفاع بود. ایندرفقش برگه دیگری به کارنامه ننگین و سیاه خمینی افزود.

کشتار ایندرفقش اولین کشتار دسته جمعی خلق کرد بدست مزدوران رژیم خمینی نبود و آخرین هم نخواهد بود. پاسداران سرکوبگر هر روزه در کردستان ایندرفقش دیگری می آفرینند تا این خلق ستم دیده را بقیه در صفحه ۸

با کمک های مالی خود سازمان را در

انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز
سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است. کمک های مالی خود را به هر میزان که باعد، یا مستقیما بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه نشریه واریز کرده و قبض رسید و یا فتوکپی آنرا به یکی از آدرس های سازمان ارسال دارید.

حساب بانکی سازمان

CREDIT LYONNAIS BANQUE
2365
MME. TALAT R.T.
2617 G
LES HAUTS DE CHATOU
78400 CHATOU FRANCE